

بررسی جنایت تعقیب و آزار در پرتو وقایع اخیر بحرین

سید فضل‌الله موسوی*

معصومه سادات میرمحمدی**

چکیده

بحرین در فوریه و مارس ۲۰۱۱ شاهد حضور گسترده معترضان بود که با تظاهرات خویش، خشم خود را نسبت به ساختار سیاسی و سیاست‌های تبعیض‌آمیز دولت آل‌خلیفه اظهار کردند. این اعتراضات که غالب آن‌ها از میان اکثریت شیعه‌مذهب بحرین برمی‌خیزد، سابقه دیرپایی در این کشور دارند و حداقل به دو دهه قبل بازمی‌گردند. با خروش موج ناآرامی‌ها در کشورهای شمال آفریقا نظیر مصر و لیبی و تونس، جنبش مردم بحرین نیز جان تازه‌ای گرفت و این بار در مقیاسی وسیع‌تر و به‌سرعت همه کشور و به‌ویژه پایتخت بحرین، شهر منامه، را در بر گرفت. دولت بحرین که از اقلیت سنی مذهب است در پاسخ به این اعتراضات، به سرکوب گسترده معترضان و اعمال خشونت علیه آن‌ها پرداخته است. بازداشت‌های خودسرانه، شکنجه، محاکمات نظامی و قتل، از جمله اقداماتی هستند که نیروهای امنیتی بحرین در راستای این سیاست سرکوب مرتکب شده‌اند. برخی از این بدرفتاری‌ها همچنان در این کشور در حال وقوع هستند. این نوشتار ضمن ارائه تعریف «جنایت تعقیب و آزار»^۱ در حقوق بین‌الملل کیفری، درصدد اثبات این فرضیه است که با توجه به گزارش‌های ارگان‌های خبری و نهادهای حقوق بشری، رویدادهای بحرین می‌توانند آستانه وقوع این جنایت به عنوان یکی از مصادیق جنایت علیه بشریت را فراهم کنند.

واژگان کلیدی: بحرین، جنایات علیه بشریت، جنایت تعقیب و آزار، تبعیض

*. نویسنده مسئول، استاد دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران fsmoosavi12@ut.ac.ir

**دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل دانشگاه تهران m.mirmohamadi@yahoo.com

مقدمه

همواره با شنیدن عنوان جنایت علیه بشریت، فجایع انسانی گسترده‌ای به ذهن متبادر می‌شوند که صفحه تاریخ را سیاه کرده‌اند؛ فجایعی که علی‌رغم وسعت و شدتی که داشته‌اند اگر محملی برای رسیدگی حقوقی و قضایی آن‌ها یافت نمی‌شد، وجدان بشری را با زخم عمیق بی‌کیفرمانی به حال خود وامی‌گذاشتند. این فجایع از اوان تاریخ وجود داشته‌اند و همچنان نیز در فواصل زمانی و مکانی و بهانه‌های مختلف، چهره کریمه خود را به بشریت نشان می‌دهند. اما آنچه بیش از همه خاطر انسان عدالت‌خواه و آرمان‌گرا را می‌آزارد این است که این جنایات عموماً در زمان صلح و از سوی قدرت‌های حاکم علیه مردم متبوعشان روی می‌دهند؛ مردمی که در فشار و تنگنای شرایط نامساعد اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و رنجور از نقض حقوق خود، چاره‌ای جز اعتراض به قدرت حاکم در پیش رو ندارند.

سونامی سیاسی کشورهای منطقه خلیج فارس و شمال آفریقا،^۲ که کشور جزیره‌ای بحرین را نیز دستخوش توفان ناآرامی و اعتراض کرده، از اواسط فوریه ۲۰۱۱ آغاز شده و سلسله‌ای از اقدامات خشونت‌بار را در این کشورها به دنبال داشته است. به دیگر سخن این اعتراضات که به دلیل نقض‌های حقوق بشری از سوی دولت‌ها آغاز شده، بازخوردی جز نقض‌های گسترده‌تر از سوی حکومت نداشته است.

تاکنون گزارش‌هایی درخصوص اعتراضات صورت گرفته در بحرین و اقدامات نیروهای امنیتی و حکومتی در مقابله با این اعتراضات از سوی ارگان‌های خبری و نهادهای حقوق بشری - به‌ویژه دیده‌بان حقوق بشر و سازمان عفو بین‌الملل - منتشر شده‌اند. این مقاله درصدد است با بررسی این گزارش‌ها و انطباقشان با شرایط وقوع جنایت تعقیب و آزار به عنوان یکی از جنایات علیه بشریت، امکان احراز وقوع این جنایت را در بحرین مورد بررسی قرار دهد. در این مقاله، ابتدا به طور خلاصه شرایط عمومی لازم برای احراز وقوع جنایات علیه بشریت بررسی خواهند شد (گفتار اول) و سپس به طور خاص جنایت تعقیب و آزار به مثابه یکی از مصادیق این جنایات مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد (گفتار دوم). در پایان نیز به امکان وقوع جنایت تعقیب و آزار در بحرین خواهیم پرداخت (گفتار سوم).

گفتنی است با توجه به نقش مهمی که دادگاه‌های خاص در تنویر و تبیین عناصر جنایات علیه بشریت و تکوین و توسعه حقوق بین‌الملل کیفری ایفا کرده‌اند،^۳ این مقاله به فراخور موضوعات، توجه ویژه‌ای به رویه این دادگاه‌ها داشته است.

۲. رک: اظهارات وزارت امور خارجه ایران در همایش بین‌المللی بیداری اسلامی (۱۳۹۰/۳/۱۰)، به نقل از:

<http://mfa.gov.ir/NewsShow.aspx?NID=318> (September 1, 2011)

3. Guenael Mettraux, "Crimes against Humanity in the Jurisprudence of the International Criminal Tribunal for the Former Yugoslavia and for Rwanda", *Harvard International Law Journal*, vol. 43 No.1, 2002, p. 239.

گفتار اول) جایگاه جنایت علیه بشریت در حقوق بین‌الملل کیفری

جنایت علیه بشریت از جمله جنایات بین‌المللی است که علی‌رغم همه پستی و بلندی‌های ناشی از جرم-انگاری، همواره در صلاحیت موضوعی دادگاه‌های کیفری بین‌المللی و با اندکی تأخیر و اهمال، دادگاه‌های داخلی قرار داشته است. این جنایت در مقایسه با سایر جنایات بین‌المللی مهجورتر به نظر می‌رسد. این امر دو علت دارد:

اولاً برای سال‌ها احراز وقوع این جنایات بسته به احراز ارتباط آن‌ها با مخاصمه مسلحانه بود و این امر شرط استقلال این جنایت بین‌المللی را سلب می‌کرد. برای نمونه در منشور نورنبرگ این جرم باید «در راستا یا در ارتباط با» هر جرم دیگری که در صلاحیت این دادگاه بود، یعنی جرائم جنگی و جرائم علیه صلح، روی می‌داد.^۴ پس از سال‌ها بحث و تردید پیرامون لزوم وجود این رابطه، در سال ۱۹۶۸ در کنوانسیون عدم امکان اعمال مرور زمان در مورد جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت،^۵ امکان وقوع این جنایات، هم در زمان جنگ و هم در زمان صلح پیش‌بینی گردید.^۶ پنج سال بعد کنوانسیون بین‌المللی منع و مجازات جرم تبعیض نژادی^۷ (به عنوان یکی از مصادیق جنایت علیه بشریت) به‌روشنی بر این واقعیت صحه گذارد. اما شورای امنیت با مقید ساختن احراز وقوع این جنایات به داشتن ارتباط با مخاصمه مسلحانه در اساسنامه دادگاه یوگسلاوی سابق در ۱۹۹۳، باز راه تردید و ابهام را گشود. با این حال، این دادگاه در اولین حکم خود در پرونده تادیچ (۲ اکتبر ۱۹۹۵) این شرط را صرفاً یک شرط صلاحیتی برای این دادگاه دانست و آن را مغایر با حقوق بین‌الملل عرفی خواند.^۸ به نظر می‌رسد این مسأله نهایتاً در سال ۱۹۹۸ و در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی که به طور تلویحی وجود ارتباط میان جنایت علیه بشریت و مخاصمه مسلحانه را لازم

۴. این مسأله به‌ویژه به جایگاه و اهمیت حقوق بشر در سطح بین‌المللی در آن زمان بازمی‌گردد. حقوق بین‌الملل در سال ۱۹۴۵ یک دادگاه بین‌المللی را صالح به رسیدگی به جرائم ارتكابی یک دولت علیه اتباعش نمی‌دانست. رعایت حقوق بشر در صلاحیت و حاکمیت یک دولت قرار داشت و در نتیجه، اقدام خلاف این قاعده، مداخله در امور داخلی کشورها تلقی می‌شد. بنابراین، عنصری لازم بود که این جرائم را نزد یک دادگاه بین‌المللی قابل رسیدگی سازد. در نتیجه، وجود ارتباط بین جنگ و جنایات علیه بشریت اجتناب‌ناپذیر بود. از سوی دیگر، وجود این ارتباط می‌توانست اصل قانونی بودن جرم و مجازات را در خصوص جنایات علیه بشریت تقویت کند. نتیجه این ارتباط در دادگاه نورنبرگ این بود که جنایات ارتكابی قبل از اعلام رسمی جنگ (سپتامبر ۱۹۳۹)، جنایت علیه بشریت محسوب نمی‌شدند، مگر اینکه ثابت می‌شد به نوعی در ارتباط با جنگ روی داده‌اند. برای ملاحظه نظر اخیر ر.ک: میرمحمدصادقی، *حقوق جزای بین‌الملل*، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۷۷، ص ۴۴.

5. The Convention on the Non-applicability of Statutory Limitations to War Crimes and Crimes Against Humanity, 26 November 1968, (entered into force 11 November 1970), 754 UNTS 73.

۶. البته پیش از آن قانون شماره ۱۰ شورای نظامی (Control Council Law No.10) که در نوع خود قانونی مترقی به شمار می‌آید در تعریف جنایات علیه بشریت در بند «ج» ماده ۲ خود، از لزوم وجود این ارتباط هیچ سخنی به میان نیاورده بود.

7. The International Convention on the Suppression and Punishment of the Crime of Apartheid, General Assembly Resolution 3068 (XXVIII) (1973), 30 November 1973, (entered into force 18 July 1976), 1015 UNTS 243.

8. *Prosecutor v. Tadić*, Case No. IT-94-1-A, Decision on the Defence Motion for Interlocutory Appeal on Jurisdiction, (2 October 1995), para. 251.

نمی‌داند، حل شده باشد.^۹ به عبارت دیگر، «همانطور که قواعد عرفی در خصوص جنایات علیه بشریت به تدریج پس از ۱۹۴۵ ظاهر می‌شدند، از ارتباط بین این جنایات و جنایات جنگی کاسته می‌شد».^{۱۰} ثانیاً این جنایت علی‌رغم مصادیق زیادی که دارد، برخلاف جنایات جنگی و جنایت نسل‌کشی به‌طور مستقل در هیچ کنوانسیون بین‌المللی جرم‌انگاری نشده است.^{۱۱} به همین دلیل، دولت‌ها نیز علی‌رغم وجود برخی پیشرفت‌ها پس از تصویب اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی،^{۱۲} عمدتاً به جرم‌انگاری در این زمینه نپرداخته، صرفاً نظاره‌گر اسناد مشعر بر این جنایات از جمله منشور دادگاه نورنبرگ و قطعنامه مجمع عمومی (۱۱ دسامبر ۱۹۴۶)^{۱۳} بوده‌اند. به دلیل فقدان کنوانسیونی مستقل در خصوص این جنایت، بسیاری از کشورها صرفاً به جرم‌انگاری برخی مصادیق جنایات علیه بشریت اکتفا کرده‌اند، درحالی‌که، برطبق دکترین چنین راه‌حلی به هیچ وجه رضایت بخش نخواهد بود؛ چه در این صورت تنها از منافع فرد حمایت می‌کند و بنابراین از ماهیت حمایت جمعی در برابر جنایات علیه بشریت برخوردار نیست و در عین حال، اعمال قواعد معمولی حقوق داخلی در خصوص این جنایات، گویای شدت آن‌ها نخواهد بود.^{۱۴} با این همه، حداقل در ارتباط با جنایت نسل‌کشی که پس از درج در کنوانسیون نسل‌کشی ۱۹۴۸ دچار ایستایی و رکود شد و هیچ تحولی در مفهوم و دامنه شمول آن روی نداد، جنایات علیه بشریت و به‌ویژه جرم آزار با خصلتی پویا همگام با تکامل و توسعه حقوق بین‌الملل کیفری، جلو آمده‌اند.

۹. با این همه هنوز هم رد پای این ارتباط در رویه برخی دادگاه‌های کیفری قابل ملاحظه است؛ چنانکه پنل‌های خاص تیمور شرقی در پرونده *لوس پالوس* در سال ۲۰۰۳ بدون توجه به اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی و یا رویه دادگاه یوگسلاوی سابق در پرونده تادیج به لزوم وجود این ارتباط اشاره کردند:

Prosecutor v. Joni Marques, Manuel da Costa, João da Costa, Paulo da Costa, Amélio da Costa, Hilário da Silva, Gonsalo dos Santos, Alarico Fernandes, Mautersa Monis, and Gilberto Fernandes, Case No. 09/2000, Judgement, 11 December 2001 ('Los Palos Trial Judgement'), para. 684.

10. *Prosecutor v. Kupreškić, Kupreškić, Kupreškić, Josipović, Papić, and Šantić, Case No. IT-95-16-T, Judgement, 14 January 2000 ('Kupreškić et al. Trial Judgement'), para. 577.*

۱۱. در خصوص برخی مصادیق جنایت علیه بشریت، نظیر شکنجه و آپارتاید، کنوانسیون‌هایی وجود دارد که به‌طور مستقل و جداگانه آن‌ها را جرم‌انگاری می‌کنند.

۱۲. ر.ک: میرمحمدی، معصومه، «تأثیر تصویب اساسنامه دیوان کیفری بر جرم‌انگاری جنایات بین‌المللی در قوانین داخلی دولت‌ها و اعمال صلاحیت جهانی از سوی آن‌ها»، *مجله حقوقی بین‌المللی*، ش ۴۱، پاییز و زمستان ۱۳۸۸، ص ۱۴۳-۱۷۵.

13. A/Res/95(1) (11 December 1946).

14. Robert Roth and Yuan Jeanneret, "Droit Allemand", in: - Antonio Cassese and Mireille Delmas-Marty, *Juridictions Nationales et Crime Internationaux*, (Paris: Presses Universitaires de France, 2002), p. 8.

بند اول) شرایط عمومی برای احراز وقوع جنایات علیه بشریت

مواد مربوط به جنایات علیه بشریت در اساسنامه دادگاه‌های کیفری عموماً دارای دو بخش هستند: صدر ماده که به بیان شرایط لازم برای احراز وقوع جنایات علیه بشریت اختصاص دارد و ذیل ماده که در آن، مصادیق جنایت علیه بشریت برشمرده می‌شوند.^{۱۵} منظور از شرایط عمومی جنایت علیه بشریت شرایطی است که در صدر ماده آمده، و بیانگر حقوق بین‌الملل عرفی درخصوص این جنایت است. شعبه تجدیدنظر دادگاه یوگسلاوی سابق در پرونده *کوناراک* (۲۰۰۲) فهرست قطعی شرایط عمومی برای احراز وقوع جنایات علیه بشریت را به این ترتیب برشمرده:^{۱۶} (۱) باید حمله وجود داشته باشد، (۲) اعمال مرتکب باید جزئی از حمله باشند، (۳) حمله باید علیه جمعیت غیرنظامی صورت گیرد، (۴) حمله باید گسترده یا سازمان‌یافته باشد، (۵) مرتکب باید بداند که الگویی از جرائم سازمان‌یافته و گسترده علیه جمعیت غیرنظامی وجود دارد و بداند که اعمال وی جزئی از این الگو هستند.^{۱۷}

اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی نیز با تکرار این شرایط بر عرفی بودن آن‌ها صحه گذارد. در واقع

۵۱. ماده ۵ اساسنامه دادگاه یوگسلاوی سابق مقرر می‌دارد: این دادگاه بین‌المللی باید قادر باشد افراد مسئول برای جرائم ذیل را تعقیب کند، زمانی که این جرائم در طول یک مخاصمه مسلحانه، اعم از داخلی و بین‌المللی، و علیه هر جمعیت غیرنظامی روی داده باشند: (۱) قتل، (۲) براندازی، (۳) برده‌گیری، (۴) اخراج، (۵) حبس، (۶) شکنجه، (۷) تجاوز به عنف، (۸) آزار بر مبنای دلایل مذهبی، نژادی، سیاسی، (۹) سایر اعمال غیرانسانی. دادگاه رواندا نیز در ماده ۳ اساسنامه خود، از الگوی تقریباً مشابهی دارد، با این تفاوت که رابطه با مخاصمه مسلحانه را لازم نمی‌داند، اما در عین حال یک شرط اختصاصی دارد و آن این است که همه جرائم باید بر مبنای دلایل مذهبی، نژادی، قومی، سیاسی و ملی صورت گیرند. می‌توان گفت ماده ۷ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی در این زمینه بیش از دیگر دادگاه‌ها پایبند به حقوق بین‌الملل عرفی بوده است؛ زیرا هیچ‌یک از دو شرط اختصاصی دادگاه یوگسلاوی سابق و رواندا را نمی‌پذیرد و در عین حال، اخراج و انتقال اجباری و ناپدیدسازی اجباری را نیز جزء مصادیق این جنایت برمی‌شمرد. البته برخی نحوه جرم‌انگاری جنایات علیه بشریت در دادگاه سیرالئون را به این دلیل که از نحوه جرم‌انگاری این جرم در سایر دادگاه‌ها ساده‌تر است، یعنی نه شرط وجود رابطه مخاصمه مسلحانه (در اساسنامه دادگاه یوگسلاوی سابق)، نه شرط تبعیض‌آمیز بودن حمله (در اساسنامه دادگاه‌های رواندا) و نه شرط وقوع حمله در قالب یک طرح یا سیاست دولتی (در اساسنامه دیوان) را برای احراز وقوع جنایت علیه بشریت لازم نمی‌داند، بیش از همه منطبق با تعریف عرفی این جنایت می‌دانند. برای ملاحظه نظر اخیر، ر.ک:

John Cerone, "The Special Court for Sierra Leone: Establishing a New Approach to International Criminal Justice", (2002) 8 *ILSA Journal of International and Comparative Law*, p. 385.

16. *Prosecutor v. Kunarac, Kovač, and Vuković*, Case Nos. IT-96-23 & IT-96-23/1- A, Judgement, 12 June 2002, para. 85.

۷۱. هریک از این شرایط دارای شرح و تفصیل زیادی هستند که در این مجال نمی‌گنجد. برای ملاحظه تفصیل این شرایط، ر.ک:

Gideon Boas, James L. Bischoff and Natalie L. Reid, *Elements of Crimes Under International Law: International Criminal Law Practitioner Library Series*, vol. 2, Cambridge University Press, 2009, pp. 32-56; M. Cherif Bassiouni, *Crimes Against Humanity in International Criminal Law*, 2nd ed, 1998; Triffterer, Otto (ed.), *Commentary on the Rome Statute of the International Criminal Court observers' Notes, Article by Article*, Baden-Baden: Nomos, 2nd ed, 2008, p. 159 ff.

۹۱ ❖ بررسی جنایت تعقیب و آزار

می‌توان گفت پس از مدتها تردید و و یا به عبارتی وجود «خلاً و نقصان»^{۱۸} در تعریف جنایات علیه بشریت، «جماعی درخصوص عناصر جنایات علیه بشریت در حال ظهور است که هم در دادگاه‌های داخلی و هم در دادگاه‌های بین‌المللی قابل اعمال است و این جنایت را از سایر جرائم متمایز می‌سازد».^{۱۹} بنابراین برای احراز وقوع هریک از مصادیق جنایت علیه بشریت، حتی اگر آن مصداق همچون جرم آزار از شرایط خاص خود نیز برخوردار باشد، وجود این شرایط عمومی بدو باید به اثبات برسد.

گفتار دوم) جرم‌انگاری تعقیب و آزار به عنوان جنایت علیه بشریت

اصطلاح «تعقیب و آزار» بدو در منشور نورنبرگ، توکیو و قانون شماره ۱۰ شورای نظامی، جرم‌انگاری^{۲۰} و سپس در اساسنامه دادگاه‌های کیفری خاص و دیوان کیفری بین‌المللی به عنوان جنایت علیه بشریت شناخته شد.^{۲۱} شایان ذکر است که اصطلاح مذکور تا قبل از دادگاه کیفری یوگسلاوی سابق، علی‌رغم اینکه در سیستم عدالت کیفری به کار می‌رفت،^{۲۲} از تعریف و عناصر روشنی در حقوق بین‌الملل کیفری برخوردار نبود و در اصلی‌ترین نظام‌های حقوقی جهان (رومی – ژرمنی و کامن‌لا) نیز یک جرم تلقی نمی‌شد.^{۲۳} از این رو، این اصلی‌ترین مصداق جنایت علیه بشریت نیازمند توسعه‌ای حساس و دقیق در پرتو

18. M. Cherif Bassiouni, *op.cit.*, p. 185.

19. K. Hall, Christopher, "Introduction/General Remarks", in Triffterer, Otto, *op.cit.*, p. 174.

20. Agreement for the Prosecution and Punishment of the Major War Criminals of the European Axis, and Charter of the International Military Tribunal, 8 August 1945, 82 UNTS 279, Article 6(c); Tokyo Charter, Annexed to the Special Proclamation of 19 January 1946 by the Supreme Commander of the Allied Powers in the Far East, Article 5(c); Control Council Law No. 10 (1945), Article 5(c) reprinted in *Trials of War Criminal Before the Nuremberg Military Tribunals Under Control Council Law No. 10, Vol. I, pp. XVI-XIX.*

۱۲. درخصوص واژه شناسی و ریشه‌های تاریخی جنایت تعقیب و آزار، رک: صیرفی، ساسان، *تعقیب و آزار به عنوان جنایت علیه بشریت*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شهریور ۱۳۸۷، ص ۹۵-۱۰۳.

۲۲. برای نمونه رک:

Judgement of Josef Altstotter et al., *Trials of War Criminals Before the Nuremberg Military Tribunals Under Control Council Law No. 10 (1950)*, Vol. vi, p. 954.

23. *The Prosecutor v. Dusko Tadic*, Yugoslavia Tribunal Case NO IT-94-1-T, TC II Judgement of 7 May, 1997, para. 694; M. Cherif Bassiouni, *op.cit.*, p. 327.

علی‌رغم وجود تعاریفی از آزار در کنوانسیون پناهندگی و یا دادگاه‌های داخلی، این موارد نمی‌توانند مبنایی برای تعیین مسئولیت کیفری فردی باشند؛ چه این برخلاف اصل قانونی بودن جرم است که فردی براساس تعریفی که در کنوانسیون پناهندگی وجود دارد یا اشاراتی که در سایر کنوانسیون‌های حقوق بشری (نظیر کنوانسیون اروپایی حقوق بشر) درخصوص جرم آزار وجود دارد، محکوم شود. در این اسناد حقوقی، تعریف صورت گرفته به منظور تعیین صدق ادعای فردی است که مدعی بهره‌مندی از وضعیت پناهنده است. بنابراین، بیش‌تر بر حالت روانی فرد تأکید می‌شود تا بر این یافته عینی که آیا جرم آزار روی داده است یا خیر. نتیجه این می‌شود که در این اسناد، مفهوم «آزار» بسیار وسیع‌تر از آن است که بتوان برای تحمیل مسئولیت کیفری فردی به لحاظ حقوقی، آن را توجیه کرد:

اصل قانونی بودن جرم بود.^{۲۴}

به طور سنتی و از زمان تدوین منشور نورنبرگ، تفکیکی میان مصادیق جنایت علیه بشریت وجود داشت. منشور نورنبرگ، قتل، براندازی، برده‌گیری، اخراج و سایر اعمال غیر انسانی ارتكابی علیه جمعیت غیرنظامی را به عنوان جنایات علیه بشریت از نوع قتل، از آزار بر مبنای دلایل مذهبی، سیاسی و نژادی تفکیک کرده بود. در نسخه اول این منشور، آن اعمالی که در دسته اول جای می‌گرفتند بایست «قبل یا در طول جنگ» روی می‌دادند تا جنایت علیه بشریت به شمار می‌رفتند، اما جرم آزار برای اینکه جنایت علیه بشریت تلقی می‌شد بایست «در راستا یا در ارتباط با هر جرم دیگری که در صلاحیت دادگاه بود، خواه نقض قانون داخلی کشور محل ارتكاب محسوب می‌شد یا خیر، ارتكاب می‌یافت». اثر این تفکیک این بود که برخی اعمال در عین این که مصداق سایر جنایات علیه بشریت به شمار می‌رفتند، ممکن بود جرم آزار نیز تلقی شوند. گویی عنصر مادی و روانی جرم آزار جدا از یکدیگر در نظر گرفته می‌شدند؛ به این ترتیب که یک عمل که خود دربردارنده عنصر مادی و روانی یکی از مصادیق جنایات علیه بشریت بود از سوی دیگر به دلیل عنصر روانی متمایزی که داشت (قصد تبعیض‌گذاری) ممکن بود تحت شمول جرم آزار نیز قرار گیرد.^{۲۵} این نسخه اولیه با تصویب پروتکل بعدی اصلاح شد. طبق این پروتکل، همه انواع جنایات علیه بشریت ممکن بود قبل یا در طول جنگ روی می‌دهند و همه آن‌ها بایست در ارتباط با سایر جرائم اساسنامه ارتكاب می‌یافتند.^{۲۶} هنوز هم در برخی نوشته‌ها این تفکیک در مصادیق مشاهده می‌شود.^{۲۷}

با این حال، اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق و رواندا، کد پیش‌نویس جنایات علیه صلح و امنیت بشری (۱۹۹۶)، اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، سند پنل‌های خاص تیمور شرقی،^{۲۸}

Kupreškić *et al.* Trial Judgement, para.589.

درخصوص تعریف آزار در حقوق پناهندگی ر.ک:

John Cerone, "Persecution", in: Dinah L. Shelton(Editor in Chief), *Encyclopedia of Genocide and Crimes against Humanity*, Thomson Gale, 2005, p. 797.

24. *Prosecutor v. Kordic et al.*, Judgement, ICTY Appeals Chamber (IT-95-14/2-A), 17 December 2004 ("Kordic Appeal Judgement"), para. 192.

25. Boot, Machteld & Christopher K. Hall, "Persecution", in Triffterer, Otto, *op.cit.*, p. 216.

26. Gideon Boas, James L. Bischoff and Natalie L. Reid, *op.cit.*, pp. 23-24.

۷۲. برای نمونه ر.ک:

Faustin Z. Ntoubandi, *Amnesty for Crimes Against Humanity Under International Law*, Martinus Nijhoff Publisher, 2007.

۸۲. سند مؤسس پنل‌های خاص تیمور شرقی برای جنایات فاحش درخصوص جرم‌انگاری جرم آزار و به طور کلی جنایات علیه بشریت تا حد زیادی شبیه به تعاریف مذکور در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی است. بخش پنجم از مقررات شماره ۲۰۰۰/۱۵ درخصوص تأسیس پنل‌هایی با صلاحیت انحصاری درباره جرائم کیفری فاحش که از سوی دفتر موقت ملل متحد در تیمور شرقی تصویب شده بود

۹۳ ❖ بررسی جنایت تعقیب و آزار

قانون شعب فوق العاده کامبوج^{۲۹} و اساسنامه دادگاه ویژه برای سیرالئون^{۳۰}، هیچ‌یک قائل به وجود چنین تفکیکی میان مصادیق جنایت علیه بشریت نیستند.^{۳۱}

قبل از کنفرانس رم، کشورهای اندکی در حقوق داخلی خود، جرم آزار را یک جرم می‌شناختند، زیرا مصادیقی که تحت شمول این جرم قرار می‌گرفتند و نتایج زیانباری به دنبال داشتند، در قالب جرائم عادی در حقوق داخلی جرم‌انگاری شده بودند. اما بعد از تصویب اساسنامه، بسیاری از کشورها در حقوق داخلی خود این جرم را به عنوان یک جنایت علیه بشریت جرم‌انگاری کرده‌اند. این جرم‌انگاری عموماً منطبق با تعریفی است که در شق نهم بند ۱ ماده ۷ اساسنامه دیوان آمده است؛^{۳۲} ضمن اینکه درج جرم آزار در اساسنامه دیوان خیلی اختلاف برانگیز نبود و صرفاً بحث‌هایی در خصوص مفهوم و تعریف این جرم وجود داشت.

بند اول) تعریف جرم تعقیب و آزار

همانطور که قبلاً نیز اشاره شد تا زمان رسیدگی‌های دادگاه کیفری یوگسلاوی سابق هیچ تعریف روشنی از جرم تعقیب و آزار و عناصر آن وجود نداشت. در اساسنامه این دادگاه نیز هیچ تعریفی از این جرم نبود و فقط به دلیل تبعیض‌گذاری یعنی دلایل سیاسی، مذهبی و نژادی اشاره شده بود.

در پرونده تادیچ، شعبه بدوی این دادگاه آزار را «نوعی تبعیض بر مبنای ایده‌های سیاسی، مذهبی یا

(UNTAET Regulation) همان فهرست جرائم و تعاریف مذکور در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی را در بر دارد، با یک استثنا مبنی بر اینکه «حمله هدفمند علیه جمعیت غیرنظامی» در این سند تعریف نشده است.

۹۲. ماده ۵ قانون تأسیس شعب فوق العاده در دادگاه‌های کامبوج برای تعقیب جرائم ارتكابی در دوران حکومت خمرهای سرخ (ECCC) ('Law) جنایات علیه بشریت را با عباراتی شبیه به عبارات مذکور در اساسنامه دادگاه ویژه رواندا جرم‌انگاری کرده‌اند البته با این قید اضافی که «این جنایات مشمول مرور زمان نمی‌شوند». بنابراین، ماده ۵ این قانون در فهرست جرائم ذیل عنوان جنایات علیه بشریت، مشابه با اساسنامه دادگاه‌های ویژه است. برای ملاحظه قانون مذکور ر.ک:

www.eccc.gov.kh/english/cabinet/law/4/KR_Law_as_amended_27_Oct_2004_Eng.pdf. (July 15, 2011).

۳۰. اگرچه اساسنامه دادگاه سیرالئون پس از تصویب اساسنامه رم تصویب شده، اما نحوه جرم‌انگاری جنایات علیه بشریت در ماده ۲ اساسنامه این دادگاه بیش‌تر برگرفته از اساسنامه دادگاه‌های ویژه است. اما این اساسنامه در خصوص جرم آزار علاوه بر دلایل مذکور در اساسنامه دادگاه‌های ویژه (مذهبی، سیاسی یا نژادی) تبعیض بر مبنای دلایل قومی را نیز به عنوان دلیلی برای وقوع آزار می‌داند.

۱۳. اگرچه در این اسناد به‌صراحت سخنی از تفکیک مذکور نیامده، اما به نظر می‌رسد این تفکیک در عمل همچنان مورد توجه است. برای نمونه شعبه بدوی دادگاه یوگسلاوی سابق به این تفکیک اشاره کرده، معیار تفکیک بین این دو دسته از جنایات علیه بشریت را وجود معیار «تبعیض» در جرم آزار می‌داند. این شعبه اظهار می‌دارد: «از آنجا که جنایت علیه بشریت از نوع آزار از جنایت علیه بشریت از نوع قتل متمایز است، برای وقوع جرم آزار ضرورتی ندارد که یک عمل جداگانه با ماهیت غیرانسانی روی داده باشد. تبعیض به خودی خود آن عمل را غیرانسانی خواهد ساخت»:

The Prosecutor v. Dusko Tadic, Yugoslavia Tribunal Case No IT-94-1-T, TC II, Judgement of 7 May, 1997, para. 695.

32. Boot, Machteld & Christopher K. Hall, "Persecution", in Triffterer, Otto, *op.cit.*, p. 216.

نژادی» خواند که «به منظور نقض حقوق بنیادین فردی صورت می‌گیرد». این شعبه تبعیض را به خودی خود عملی غیرانسانی تلقی کرد. تبعیض مذکور از نظر این شعبه باید بر مبنای دلایل مذکور در اساسنامه، یعنی دلایل سیاسی، مذهبی و نژادی روی دهد تا آزار تلقی شود.^{۳۳} دادگاه یوگسلاوی سابق در ادامه رسیدگی‌های خود^{۳۴} و به‌ویژه در پرونده «کوپرسکیچ» به تبیین این جرم و عناصر آن پرداخت. شعبه بدوی در این پرونده، آزار را این چنین تعریف می‌کند: «انکار شدید آن دسته از حقوق بنیادین مذکور در حقوق بین‌الملل عرفی یا قراردادی که از شدتی برابر با اعمال ممنوع شده در ماده ۵ برخوردار باشند، بر مبنای دلایل تبعیض‌آمیز».^{۳۵} دادگاه رواندا نیز در تعریف جرم آزار از رویه دادگاه یوگسلاوی سابق پیروی کرد.^{۳۶}

به طور کلی در رویه قضایی دادگاه‌های خاص، آزار به این نحو تعریف شده است: «فعل یا ترک فعلی که به طور واقعی تبعیض‌آمیز است و حقوق بنیادین مقرر در حقوق بین‌الملل عرفی یا قراردادی را نادیده می‌گیرد یا نقض می‌کند و با قصد انجام چنین تبعیضی صورت می‌گیرد». این تعریف علاوه بر عنصر روانی قصد تبعیض‌گذاری که مشخصه اصلی این جرم است، به مؤلفه‌های اصلی در عنصر مادی این جرم نیز اشاره می‌کند که در ذیل به آن‌ها خواهیم پرداخت.

اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی هم به همین ترتیب آزار را در شق هفتم بند ۲ ماده ۷ خود تعریف می‌کند. این ماده مقرر می‌دارد: «آزار به معنی محروم ساختن عمدی و شدید از حقوق اساسی برخلاف حقوق بین‌الملل بر مبنای هویت یک گروه یا جمعیت است». در عین حال، اساسنامه مذکور، در شق هفتم

۳۳. علی‌رغم وجود «و» میان این دلایل، صرف وجود هر یک از این دلایل کفایت می‌کند. به بیان دیگر «و» در این جا به معنای «یا» است: *The Prosecutor v. Dusko Tadic, Yugoslavia Tribunal Case No IT-94-1-T, TC II Judgement of 7 May, 1997, paras.711-713.*

34. *Prosecutor v. Blaškić, Case No. IT-95-14-A, Judgement, 29 July 2004* ('Blaškić Appeal Judgement'), para.131; *Prosecutor v. Kvočka, Radić, Žigić, and Prcać, Case No. IT-98-30/1-A, Judgement, 28 February 2005* ('Kvočka et al. Appeal Judgement'), para. 320; *Prosecutor v. Vasiljević, Case No. IT-98-32-A, Judgement, 25 February 2004* ('Vasiljević Appeal Judgement'), para. 113; *Prosecutor v. Krnojelac, Case No. IT-97-25-A, Judgement, 17 September 2003* ('Krnojelac Appeal Judgement'), paras. 185-186; *Prosecutor v. Krajišnik, Case No. IT-00-39-T, Judgement, 27 September 2006* ('Krajišnik Trial Judgement'), para. 734.

35. *Kupreškić et al. Trial Judgement, Para.621*

36. *Prosecutor v. Nahimana, Barayagwiza, and Ngeze, Case No. ICTR-99-52-A, Judgement, 28 November 2007* ('Media Appeal Judgement'), para. 985; *Prosecutor v. Niyitegeka, Case No. ICTR 96-14-T, Judgement and Sentence, 16 May 2003* ('Niyitegeka Trial Judgement'), para. 431; *Prosecutor v. Semanza, Case No. ICTR-97-20-T, Judgement and Sentence, 15 May 2003* ('Semanza Trial Judgement'), paras.347, 350; *Prosecutor v. Ruggiu, Case No. ICTR-97-32-I, Sentencing Judgement, 1 June 2000, para. 21*; *Prosecutor v. Akayesu, Case No. ICTR-96-4-T, Judgement, 2 September 1998* ('Akayesu Trial Judgement'), paras. 559-562; *Prosecutor v. Bagosora, Kabiligi, Ntabakuze, and Nsengiyumva, Case No. ICTR-98-41-T, Decision on Motions for Judgement of Acquittal, 2 February 2005* ('Military I 98 bis Decision'), para. 32.

بند ۱ ماده ۷ بر دلایل تبعیض آمیز می‌افزاید: «آزار علیه یک گروه یا جمع مشخص بر مبنای دلایل سیاسی، قومی، نژادی، ملی، فرهنگی، مذهبی، جنسی براساس تعریف بند ۳، یا سایر دلایلی که طبق حقوق بین‌الملل به لحاظ جهانی در ارتباط با اعمال مقرر در این بند یا هر عمل دیگر در این اساسنامه ممنوع شناخته شده‌اند».^{۳۷} بنابراین، طبق این تعریف نیز آنچه ضروری است شکلی از تبعیض است که منجر به نقض حقوق اساسی افراد شود.^{۳۸}

۱-۱. عنصر مادی جرم آزار

دادگاه‌های خاص در باب عنصر مادی جرم آزار رویکرد موسعی اتخاذ کرده‌اند. براساس رویه قضایی دادگاه یوگسلاوی سابق، اعمال ایذایی که می‌توانند جرم آزار تلقی شوند، از یک سو دربردارنده سایر مصادیق جنایت علیه بشریت (در دیگر بندهای ماده ۵)^{۳۹} و یا سایر جنایات مذکور در دیگر مواد اساسنامه هستند و از سوی دیگر می‌توانند شامل موارد غیر مذکور در اساسنامه نیز بشوند.^{۴۰} بنابراین، لزومی ندارد که اعمال ایذایی با سایر جنایات علیه بشریت یا سایر جنایات مذکور در اساسنامه ارتباط داشته باشند.^{۴۱}

^{۳۳} برای تفصیل این جهات، ر.ک: صیرفی، ساسان، پیشین، ص ۱۶۵-۱۶۹.

^{۳۴} در دادگاه عراق یک شرط جدید برای آزار درج شده: «آزار باید در ارتباط با هر عملی ارتکاب یافته باشد که به عنوان شکلی از خشونت جنسی با شدتی قابل قیاس مورد اشاره قرار گرفته است» (شق ۸ بند ۱ ماده ۱۲). برخی معتقدند درج چنین شرطی بیش‌تر به یک اشتباه نوشتاری می‌ماند؛ چه گویا این ادبیات به‌نادراست از ماده قبلی درخصوص جرم خشونت جنسی گرفته شده‌اند. در این خصوص ر.ک:

Bassiouni, M. Cherif and Michael Wahid Hanna, "Ceding the High Ground: The Iraqi High Criminal Court Statute and the Trial of Saddam Hussein", (2006-07) 39 *Case Western Reserve Journal of International Law* 21, p. 64.

^{۳۵} در این رابطه دادگاه با بررسی آرای دادگاه نظامی نورنبرگ و دادگاه‌های نظامی داخلی و با استناد به رویه سابق خود در پرونده تادیچ (۷ می ۱۹۹۷) اظهار داشت اگرچه این دادگاه‌ها هیچ‌یک به تعریف جرم آزار نپرداخته‌اند، اما تعریف موسعی از مصادیق این جرم داشته‌اند. برخی از اعمالی که این دادگاه‌ها به عنوان جرم آزار شناسایی کرده بودند، در حال حاضر در سایر بندهای ماده ۵ اساسنامه قید شده‌اند. در نتیجه، آزار بدون نقض اصل قانونی بودن، دربردارنده سایر بندهای ماده ۵ نیز می‌شود و این رویه‌ها حاکی از مفهوم موسع آزار طبق حقوق بین‌الملل کیفری هستند؛ ضمن اینکه تفسیر مضیق آزار باعث می‌شود آن دسته از جنایات علیه بشریت که بر مبنای تبعیض آمیز روی داده‌اند، اما به آستانه جنایت نسل‌کشی (که نیازمند قصد خاص است) نمی‌رسند با خلأ قانونی مواجه شوند. دادگاه در رابطه با مورد اخیر «پاکسازی قومی» را مثال می‌زند:

Kupreškić *et al.* Trial Judgement, paras. 593-607.

^{۴۰} *Ibid.*, paras. 608-614; especially para. 614.

^{۴۱} شعبه بدوی دادگاه یوگسلاوی سابق در این راستا به نقد شق هشتم بند ۱ ماده ۷ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی می‌پردازد که در آن «اعمال ایذایی باید در ارتباط با اعمال مذکور در بند ۱ ماده ۷ و یا در سایر مواد اساسنامه روی دهند». به نظر شعبه این شرط مغایر با حقوق بین‌الملل عرفی است و بنابراین لزوم وجود ارتباط بین اعمال ایذایی و سایر جرائم مذکور در اساسنامه را نمی‌پذیرد:

Kupreškić *et al.* Trial Judgement, paras. 580-581.

۱-۱-۱. مصادیق جرم آزار

با توجه به رویکرد موسع دادگاه‌های خاص، تنوع زیادی در خصوص اعمال ایذایی که ممکن است مصداق جرم آزار تلقی شوند، وجود دارد.^{۴۲} قتل،^{۴۳} شکنجه،^{۴۴} تجاوز به عنف،^{۴۵} جابجایی اجباری،^{۴۶} توقیف یا حبس یا مصادره خودسرانه اموال،^{۴۷} رفتارهای بی‌رحمانه و غیرانسانی،^{۴۸} خشونت فیزیکی،^{۴۹} صدمه روانی شدید،^{۵۰} کشتن جمعیت غیرنظامی،^{۵۱} حملات عامدانه علیه اموال یا افراد غیرنظامی،^{۵۲} کار اجباری و سایر اشکال برده‌گیری،^{۵۳} گروگان‌گیری و استفاده از سپر انسانی^{۵۴} و تخریب اموال شخصی منقول یا غیرمنقول،^{۵۵} همگی اگر با قصد تبعیض‌آمیز بر مبنای دلایل مذهبی، سیاسی و نژادی صورت گیرند (و البته در صورت احراز سایر شرایط عمومی جنایات علیه بشریت)، آزار به عنوان یک جنایت علیه بشریت تلقی می‌شوند. اعمالی که در اساسنامه به آن‌ها تصریح نشده، اما شعب این دادگاه آن‌ها را مصداق جرم آزار تلقی کرده‌اند عبارتند از: نقض حقوق اقتصادی، سیاسی و اجتماعی^{۵۶} و صدور دستورات، احکام یا سیاست‌های

-
42. Semanza Trial Judgement, paras. 347-349; see also Kupreškic *et al.* Trial Judgement, paras. 609-614.
43. *Prosecutor v. Blaškić*, Case No. IT-95-14-A, Judgement, 29 July 2004 ('Blaškić Appeal Judgement'), para.143
44. *Ibid.*, also *Prosecutor v. Brđanin*, Case No. IT-99-36-T, Judgement, 1 September 2004 ('Brđanin Trial Judgement'), para. 491.
45. Brđanin Trial Judgement, paras. 1008, 1012.
46. Blaškić Appeal Judgement, para. 153; Brđanin Trial Judgement, para. 570.
47. Blaškić Appeal Judgement, paras. 234, 688.
48. *Ibid.*, also *Prosecutor v. Blagojević and Jokić*, Case No. IT-02-60-T, Judgement, 17 January 2005, ('Blagojević and Jokić Trial Judgement'), paras. 605–610, 621.
49. *Prosecutor v. Stakić*, Case No. IT-97-24-T, Judgement, 31 July 2003 ('Stakić Trial Judgement'), para. 752.
50. *Prosecutor v. Kvočka, Radić, Žigić, and Prcać*, Case No. IT-98-30/1-A, Judgement, 28 February 2005 ('Kvočka *et al.* Appeal Judgement'), para. 324.
51. Blagojević and Jokić Trial Judgement, paras. 592, 611–614, 620.
52. Blaškić Appeal Judgement, para. 159.
53. *Prosecutor v. Krnojelac*, Case No. IT-97-25-A, Judgement, 17 September 2003 ('Krnojelac Appeal Judgement'), para. 200.
54. Blaškić Appeal Judgement, para. 155.
55. *Ibid.*, para.149.
- البته در این خصوص تخریب هر مالی نمی‌تواند آزار تلقی شود، حتی اگر به دلایل تبعیض‌آمیز صورت گرفته باشد. این تخریب باید تأثیر شدیدی بر حیات قربانی داشته باشد. برای نمونه، آتش زدن ماشین یک فرد بر مبنای دلایل تبعیض‌آمیز، آزار محسوب نمی‌شود، مگر اینکه این ماشین دارای حیاتی و جبران‌ناپذیر فرد بوده باشد. بنابراین، شرایط وقوع جرم باید مورد به مورد بررسی شود:
- Kupreškic *et al.* Trial Judgement, para. 631.
56. *Ibid.*, para. 615.
- ۹۷ ❖ بررسی جنایت تعقیب و آزار

شعب فوق العاده در کامبوج^{۵۸} با پیروی از آرای دادگاه‌های ویژه، و پنل‌های خاص تیمور شرقی^{۵۹} نیز با پیروی از نحوه جرم‌انگاری جرم آزار در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، در برخی آرای خود به بیان مصادیق این جرم پرداخته‌اند.

57. *Prosecutor v. Simić, Tadić, and Zarić*, Case No. IT-95-9-T, Judgement, 17 October 2003 ('Simić et al. Trial Judgement'), para. 58.

پرونده «سترایچر» که در آن، دادگاه نورنبرگ متهم را به ارتکاب جنایت تعقیب و آزار محکوم کرد، نیز نمونه جالبی است که تنوع و پویایی عنصر مادی این جرم را نشان می‌دهد. در این پرونده «سترایچر» به این دلیل که سخنان، دست‌نوشته‌ها و تبلیغات او در راستای ایجاد تنفر از یهودیان، افکار ضد یهودیت را در ذهن آلمانی‌ها تزریق و مردم آلمان را به اذیت و آزار یهودی‌ها ترغیب کرده بود، محکوم به ارتکاب این جرم گردید: علامه، غلام حیدر، جنایات علیه بشریت در حقوق بین‌الملل کیفری، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۸۵، ص ۱۶۹.

58. *Co-Prosecutors v. KAING Guek Eav alias Duch*, Case File/Dossier No. 001/18-07-2007/ECCC/TC, 26 July 2010.

در این پرونده، متهم (یکی از اعضای خمرهای سرخ) که ریاست و دبیری یک کمیته بازجویی (S-21) را بر عهده داشت و به مناسبت سمت‌های مذکور بر همه اعضای این کمیته تفوق می‌یافت، از گزارش روز به روز همه اعمال ارتكابی در این کمیته مطلع می‌شد. جمعیت بازداشت‌شدگان در این کمیته بالغ بر ۱۲ هزار نفر و متشکل بود از سربازان و کادر حزب سیاسی - نظامی (Lon Nol)، پرسنل نظامی (RAK)، اعضای بلندپایه و دون‌پایه (DK و CPK)، اعضای خانواده و وابستگان آن‌ها، زنان، کودکان و اتباع خارجی از کشورهای مختلف، به‌ویژه سربازان و غیرنظامیان ویتنامی. تنها تعداد کمی از این افراد زنده ماندند. اغلب آن‌ها بعد از اینکه به‌طور نظام‌مند تحت شکنجه قرار می‌گرفتند، اعدام می‌شدند و مابقی هم به دلیل شرایط نامساعد بازداشت، بیماری، سوءتغذیه و دردهای جسمی و روانی درمی‌گذشتند (بند‌های ۱۱۹ تا ۲۰۳ رأی). در این پرونده، شعبه دادگاه، متهم را به جنایت علیه بشریت (قتل، براندازی، برده‌گیری، شکنجه، آزار بر مبنای دلایل سیاسی و سایر اعمال غیر انسانی) و نقض فاحش کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو محکوم کرد (بند ۵۶۷ رأی). شعبه مذکور با عنایت به رویه قضایی ناظر بر محکومیت‌های متعدد، متهم را همچنین به جرم آزار بر مبنای دلایل سیاسی به عنوان یک جنایت علیه بشریت، در قالب ارتکاب جرائم براندازی (از جمله قتل)، برده‌گیری، حبس، شکنجه (از جمله یک نمونه تجاوز به عنف) و دیگر اعمال غیرانسانی محکوم کرد (بند ۵۶۸). همچنین در رابطه با امکان تلقی «قحطی دادن» به عنوان جنایت آزار در شعب فوق‌العاده در دادگاه‌های کامبوج ر.ک:

Randle C. De Falco, "Accounting for Famine at the Extraordinary Chambers in the Courts of Cambodia: The Crimes against Humanity of Extermination, Inhumane Acts and Persecution", *International Journal of Transitional Justice*, Volume 5, Issue 1, pp. 142-158.

59. *Prosecutor v. Joni Marques, Manuel da Costa, João da Costa, Paulo da Costa, Amélio da Costa, Hilário da Silva, Gonsalo dos Santos, Alarico Fernandes, Mautersa Monis, and Gilberto Fernandes*, Case No. 09/2000, Judgement, 11 December 2001 ('Los Palos Trial Judgement').

در این پرونده که به پرونده (لوس پالوس) Los Palos مشهور است، دادستان اظهار داشت که جونی مارکوس و ۹ نفر از اعضای دیگر طرفداران ارتش نظامی اندونزی (تیم آلفا) به دلیل اعمال ارتكابی در Los Palos و دیگر شهرهای ناحیه Lautem تیمور شرقی در آوریل و سپتامبر ۱۹۹۹، متهم به قتل، شکنجه، انتقال اجباری و آزار به عنوان جنایت علیه بشریت بودند. سرانجام پنل، مارکوس را به خاطر ارتکاب جرم آزار در قالب انتقال اجباری مسئول شناخت، اما درخصوص عناصر این مصداق از جنایات علیه بشریت هیچ یافته صریحی را عنوان نکرد (بند ۸۴۳ رأی) و درخصوص عنصر معنوی جرم آزار (تبعیض) نیز بدون ارائه هرگونه توضیح، وجود قصد تبعیض آمیز علیه اعضای یک گروه سیاسی - یعنی گروه طرفداران استقلال - را مورد شناسایی قرار داد (بند ۸۰۲-۸۰۰ رأی).

۲-۱-۱. وجود شدت برابر

اگرچه قلمرو حقوق بشر پویا و گسترده است، اما هر انکار و نقض حقوق بشری، جنایت علیه بشریت تلقی نمی‌شود. بنابراین به منظور اجتناب از بروز ابهام در خصوص این پوسته تهی (جرم آزار)^{۶۰} که می‌تواند سایر جنایات علیه بشریت را دربرگیرد، توضیح این که نقض کدام حقوق اساسی منجر به اثبات این اتهام می‌شود، ضروری است. معیاری لازم است که از یک سو مقیاس این انکار ارزیابی شود و از سوی دیگر اصل قانونی بودن جرم نیز تضمین گردد. در واقع معیاری که در رویه قضایی دادگاه‌های کیفری خاص برای احراز عنصر مادی جرم آزار به کار رفته، معیار وجود «شدت برابر» است.^{۶۱} نتیجه اعمال این معیار این است که تنها انکار شدید حقوق بنیادین بشر می‌تواند آستانه وقوع یک جنایت علیه بشریت را تأمین کند. در واقع، دادگاه‌ها با علم به وظیفه و نقشی که در تبیین حقوق بین‌الملل ایفا می‌کنند، در رابطه با جرم آزار روشن ساخته‌اند که: «هر انکار یا نقض حق اساسی به قدر کافی برای احراز وقوع جنایت علیه بشریت کافی نیست، بلکه فعل یا ترک فعل ایذایی باید از شدت برابر با سایر جرائم فهرست‌شده ذیل ماده اصلی برخوردار باشند. با این حال لازم نیست که عمل مورد نظر به خودی خود طبق حقوق بین‌الملل جرم باشد».^{۶۲}

شعبه بدوی دادگاه یوگسلاوی سابق در پرونده «کوپرسکیچ» ضوابط حقوق بشری مذکور در اعلامیه حقوق بشر، میثاقین حقوق بشر و سایر اسناد حقوق بشر و بشردوستانه را مؤلفه‌هایی دانست که در تعیین حقوقی که نقض آن‌ها ممکن است آزار تلقی شود، راهگشا خواهند بود.^{۶۳} ادبیات شعبه در این خصوص حاکی از دوراندیشی و رویکرد حمایتی موسعی است که در این مورد لازم می‌داند. شعبه معتقد است تعیین برخی حقوق به عنوان حقوقی که نقض شدید آن‌ها جنایت آزار تلقی می‌شود، ممکن است موجب انصراف این جنایت از نقض سایر حقوق به شمار رود و این برخلاف منافع عدالت است.^{۶۴} از سوی دیگر اینکه در مواد مربوط به جنایات علیه بشریت در اساسنامه دادگاه‌های کیفری خاص،^{۶۵} بندی تحت عنوان «سایر اعمال غیرانسانی» قید شده است و به دادگاه‌ها اجازه می‌دهد با رویکردی انعطاف‌پذیر اشکال مختلف نقض

60. Joint Dissenting Opinion of Judge Schomburg and Judge Güney on Cumulative Convictions in Kordić and Čerkez Appeal Judgement, para. 6.

61. equal gravity requirement

62. Media Appeal Judgement, para. 985; Krajišnik Trial Judgement, para.735; Simić *et al.* Trial Judgement, para. 48; Krnojelac Trial Judgement, para. 434.

63. Kupreškić *et al.* Trial Judgement, para. 621.

64. *Ibid.*, paras. 623-624.

۵۶. شایان ذکر است بخش ذیل این مواد که به بیان مصادیق جنایت علیه بشریت می‌پردازد برگرفته از حقوق بین‌الملل عرفی است: *Ibid.*, para. 568.

حقوق انسانی را مورد رسیدگی قرار دهند، حاکی از قصد و هدف اساسنامه و تصدیقی بر اتخاذ چنین رویکرد موسعی در خصوص جرم آزار خواهد بود است. اما در هر صورت، احراز قصد تبعیض آمیز مرتکب برای اطلاق جرم آزار بر نقضهای حقوق بشری او، ضرورت دارد.

دادگاه رواندا نیز در پرونده مدیا ملاک تعیین شدت را بستری دانست که فعل یا ترک فعل ادعایی در آن روی داده است. شعبه دادگاه در این پرونده اظهار داشت: «نیازی به بررسی این نیست که آیا «سخنرانی نفرت‌انگیز» به خودی خود سازنده جرم آزار به عنوان یک جنایت علیه بشریت است یا خیر، بلکه بستر و فضایی که این عمل در آن روی می‌دهد برای تعیین شدت اهمیت دارد».^{۶۶}

برخی معتقدند وجود این شرط، خود بستر منطقی و حقوقی لازم را برای توسیع دامنه مصادیق جرم آزار به موارد غیرمذکور در اساسنامه فراهم می‌آورد؛ چه زمانی که عمل ادعایی (مثل قتل یا شکنجه) در اساسنامه دادگاه آمده باشد، شرط شدت برابر به طور خودکار از نظر حقوقی وجود خواهد داشت. بنابراین به نظر می‌رسد هدف از درج این شرط، تضمین وجود شدت برابر برای اعمالی است که اگرچه قابل سرزنش هستند، اما صریحاً موضوع مجازات قرار نمی‌گیرند، مگر اینکه با یک جرم شناخته شده قابل قیاس باشند.^{۶۷}

۲-۱. عنصر روانی جرم آزار

عنصر روانی آزار، شدیدتر از سایر جنایات علیه بشریت است. در جرم آزار، مرتکب علاوه بر داشتن عنصر روانی مشترک میان همه مصادیق جنایت علیه بشریت (علم مرتکب به اینکه عملش جزئی از حمله است) باید قصد تبعیض‌گذاری نیز داشته باشد^{۶۸} و یکی از راه‌های احراز چنین قصدی، بستر و فضای حمله است.^{۶۹}

عنصر روانی تبعیض در جرم آزار در عین حال که سخت‌تر و شدیدتر از دیگر جنایات علیه بشریت است، آستانه احرازش از عنصر روانی در جنایت نسل‌کشی پایین‌تر است. آزار و نسل‌کشی به لحاظ عنصر روانی دارای مشترکاتی هستند. هر دو جنایت علیه افرادی روی می‌دهند که متعلق به یک گروه خاص بوده، به -

66. Media Appeal Judgement, para. 987.

67. Separate Opinion of Judge Shahabuddeen in *Krnjelac Appeal Judgement*, para. 7.

۸۶. قید عنصر تبعیض به عنوان عنصر روانی جنایت تعقیب و آزار به معنای این نیست که اگر تبعیض به لحاظ مادی محقق نشود و صرفاً به لحاظ روانی وجود داشته باشد، این جرم اتفاق خواهد افتاد. «جنایت تعقیب و آزار باید هم به لحاظ ذهنی و هم عینی براساس تبعیض واقع شود. به دیگر سخن، تبعیض هم جزء عنصر روانی و هم جزء عنصر مادی این جرم است. جزء عنصر روانی است از آن جهت که مرتکب باید دارای قصد تبعیض باشد (یعنی حمله به قربانی به منظور حمله به گروهی که وی به آن تعلق دارد) و همچنین جزء عنصر مادی است از آن جهت که عمل ارتكابی باید منجر به تبعیض واقعی شود (یعنی بر گروه مورد حمله مؤثر واقع شود و به نحوی به اعضای آن آسیب برساند). بنابراین، تعقیب و آزار، جرمی مفید است که برای تحقق حصول نتیجه‌ای خاص شرط است» ر.ک: صیرفی، ساسان، پیشین، ص ۱۱۸.

69. Blaškić Appeal Judgement, para. 164

دلیل تعلق به این گروه مورد هدف قرار گرفته‌اند. در هر دو جنایت، عنصر «تبعیض‌گذاری» مشترک است. با این تفاوت که در مورد جرم آزار، قصد تبعیض‌آمیز ممکن است اشکال غیرانسانی متعددی از جمله قتل داشته باشد، اما در نسل‌کشی، قصد مذکور باید همراه با عمد در تخریب کلی یا جزئی گروهی باشد که قربانیان به آن تعلق دارند. بدین ترتیب می‌توان گفت نسل‌کشی به لحاظ عنصر روانی، غیرانسانی‌ترین و شدیدترین شکل آزار است.^{۷۰} به بیان دیگر، زمانی که آزار عامدانه و به قصد تخریب یک گروه یا بخشی از یک گروه به حد نهایت خود می‌رسد، این آزار می‌تواند نسل‌کشی تلقی شود.

بند دوم) مراحل اثبات جرم تعقیب و آزار

نحوه عملکرد دادگاه‌های یوگسلاوی سابق و رواندا که در بسیاری موارد مورد استناد سایر دادگاه‌های کیفری بین‌المللی و بین‌المللی شده قرار گرفته است، نشان می‌دهد که دادستان برای احراز وقوع جرم آزار سه مرحله را باید پشت سر بگذارد: ۱) اثبات وقوع عمل ادعایی، ۲) احراز شرایط خاص جرم آزار، ۳) احراز شرایط عمومی جنایات علیه بشریت.

این سه مرحله دو اثر مفید در رویه دادگاه‌های کیفری بین‌المللی بر جا گذاشته است. اولین اثر این نحوه عملکرد این است که شعب این دادگاه‌ها، به‌ویژه شعب تجدیدنظر، در اثبات یافته‌های عینی و وقایع ادعایی سخت‌گیری بیش‌تری اعمال خواهند کرد و این امر کیفیت آرای صادر را بالا خواهد برد. دومین اثر این است که این دادگاه‌ها با بررسی عملکرد دادستانی در طی کردن این سه مرحله، از انتقادی که درخصوص تعدد جرائم به آن‌ها وارد می‌شود، در امان خواهند ماند.^{۷۱} به عبارت دیگر، زمانی که دادستان بدو شرطی خاص جرم آزار را مورد بررسی قرار می‌دهد ممکن است به دو نتیجه برسد: یا اعمال ارتكابی شرایط خاص جرم آزار را دارند که در این صورت، دادستان به سراغ مرحله سوم یعنی احراز شرایط عمومی جنایات علیه بشریت در اثبات این جرم می‌رود، و یا شرایط خاص این جرم درخصوص اعمال مذکور احراز نمی‌شود که در این صورت، حسب مورد و در صورتی که اعمال ارتكابی دربردارنده عنصر روانی یا مادی سایر جنایات علیه بشریت باشند، ممکن است مصداق جرم دیگری تلقی شوند. حاصل این نحوه عملکرد این می‌شود که عملی که ضمن داشتن شرایط عمومی جنایات علیه بشریت (عناصر مادی و روانی)، آستانه شرایط خاص جرم آزار را نیز تأمین می‌کند، فقط یک جرم، یعنی جرم آزار تلقی خواهد شد و بدین ترتیب از تعدد جرائم

70. Kupreškić *et al.* Trial Judgement, para. 636.

دیوان بین‌المللی دادگستری در پرونده اعمال کنوانسیون نسل‌کشی (بوسنی هرزه‌گوین علیه صربستان) نیز با استناد به رأی کوپرسکیچ به بیان تفاوت جنایت نسل‌کشی و آزار می‌پردازد:

Application of the Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide (Bosnia and Herzegovina v. Serbia and Montenegro), ICJ, (26 February 2007), para. 188.

71. Gideon Boas, James L. Bischoff and Natalie L. Reid, *op.cit.*, p. 88.

جلوگیری به عمل می‌آید. در نتیجه، حقوق متهمان محفوظ مانده، از صدور احکام غیرموجه و اعمال محکومیت‌های غیرعادلانه بر متهمان، نظیر حبس‌های طولانی و یا شایستگی کمتر برای برخورداری از آزادی پیش از موعد، خودداری می‌شود.

با توجه به تعریف موسع جرم آزار و مصادیق متنوع آن، دادستان نمی‌تواند صرفاً به اتهام کلی آزار استناد جوید؛ چه این امر مغایر با اصل قانونی بودن جرم است.^{۷۳} برای رعایت این اصل، دادستان باید موارد مشخصی را که تحت شمول آزار قرار می‌گیرند در کیفرخواست خود بیاورد. با این روش، حقوق متهم در گردآوری ادله و دفاعیات لازم در برابر اتهامات مشخص نیز تأمین خواهد شد.

بند سوم) تعدد محکومیت جرم آزار و سایر مصادیق جنایت علیه بشریت

دادگاه‌های ویژه تاکنون در پرونده‌های مختلف، بحث تعدد محکومیت‌ها برای یک عمل واحد را مورد بررسی قرار داده‌اند.^{۷۴} اما درخصوص جرم آزار و مصادیق آن که ممکن است خود نیز از جنایات علیه بشریت به شمار آیند، مسأله تعدد محکومیت‌ها وضعیت متفاوتی دارد و نیازمند تفصیل بیش‌تری است. برخلاف رویه اولیه این دادگاه‌ها، شعب تجدیدنظر از دسامبر ۲۰۰۴ و بعد از صدور رأی تجدیدنظر در پرونده «کوردیچ»، رویکرد متفاوتی نسبت به رویه اولیه شعب تجدیدنظر^{۷۴} در پیش گرفته‌اند. بعد از صدور رأی مذکور،^{۷۵} شعب مختلف دادگاه‌های ویژه با این استدلال که جرم آزار به لحاظ مادی دارای عناصری است که آن را از سایر جنایات علیه بشریت متمایز می‌سازد، به وجود تعدد محکومیت برای جرم آزار و سایر جنایات علیه بشریت که تشکیل دهنده این جرم هستند، اعتقاد دارند.

دو نفر از پنج عضو شعبه تجدیدنظر در پرونده «کوردیچ» و دیگران، قائل به همان رویه قضایی قبلی

72. Kupreškić *et al.* Trial Judgement, para. 626.

73. برای ملاحظه بحث تفصیلی پیرامون تعدد محکومیت‌ها، ر.ک: آذری، هادی، «تجمیع محکومیت‌ها برطبق معیار سلیبسی در حقوق بین‌الملل کیفری و بررسی رویه قضایی اخیر محاکم بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق و رواندا»، *مجله حقوقی بین‌المللی*، ش ۴۱، پاییز و زمستان ۱۳۸۸، ص ۱۷۵-۱۹۷.

74. *Prosecutor v. Krstić*, ICTY Appeals Chamber, Judgement, 19 April 2004, paras. 231-233; Krnojelac Appeal Judgement, para. 188 and Disposition; Vasiljević Appeal Judgement, paras 146-147 and Disposition. Subsequent ad hoc tribunals have, however, confirmed the approach adopted by the Kordić *et al.*, Appeal Judgement (see e.g., Nahimana Appeal Judgement, paras. 1024-1026).

75. Kordić Appeal Judgement, paras. 1039-1043.

در این رأی آمده که اثبات وقوع جرم آزار مستلزم اثبات فعل یا ترک فعلی است که به طور واقعی منجر به تبعیض می‌شود و نیز اثبات این امر که قصد خاص تبعیض‌گذاری وجود داشته است، اما اثبات وقوع جرم قتل صرفاً مستلزم اثبات این است که متهم موجب مرگ یک یا چند نفر شده است، صرف‌نظر از این که آیا فعل یا ترک فعل مورد بحث متضمن تبعیض واقعی یا قصد تبعیض‌گذاری بوده است یا خیر.

بودند و در نتیجه با رأی این شعبه مبنی بر تعدد محکومیت‌ها برای یک عمل واحد مخالفت کردند.^{۷۶} قضاات مخالف در این پرونده بر این عقیده‌اند که اگرچه اجزای جرم آزار و سایر جنایات علیه بشریت ممکن است به لحاظ انتزاعی متمایز از یکدیگر به نظر برسند، اما طبق معیار «سلیبسی»، مسأله این است که آیا این اجزا به لحاظ مادی متمایز هستند یا خیر و به عبارت دیگر آیا برای احراز عناصر هر یک از این جرائم باید واقعه‌ای را اثبات کرد که درخصوص سایر جرائم اثبات آن لازم نیست.^{۷۷} برای مثال در موردی که اتهام آزار براساس وقوع قتل یا سایر اعمال غیرانسانی طرح و در نهایت ثابت می‌شود، دیگر لازم نیست که دادستان برای اثبات قتل یا سایر اعمال غیرانسانی به دنبال اثبات واقعه‌ای دیگر باشد. اثبات این که متهم از طریق ارتکاب قتل یا سایر اعمال غیرانسانی مرتکب جرم آزار شده است لزوماً متضمن اثبات وقوع قتل یا سایر اعمال غیرانسانی نیز خواهد بود.^{۷۸} در واقع، وقوع این جرائم از طریق اثبات جرم آزار قابل استنتاج است.^{۷۹}

گفتار سوم) بحران بحرین

در ۱۴ فوریه ۲۰۱۱ یعنی در دهمین سالگرد همه‌پرسی به نفع منشور فعالیت ملی بحرین،^{۸۰} مردم بحرین تصمیم گرفتند در اعتراض به ساختار حکومت، به سمت میدان لؤلؤ در منامه (پایتخت بحرین) راهپیمایی کنند. معترضان که غالب آن‌ها را شیعیان تشکیل می‌دادند، خواستار استقرار حکومت مبتنی بر رأی مردم و رفع تبعیض در زمینه اشتغال و سایر حوزه‌ها و به تعبیری خواستار حق تعیین سرنوشت خود^{۸۱} بودند. در

76. Kordic Appeal Judgement, Joint Dissenting Opinion of Judge Schomburg and Judge Güney on Cumulative Convictions, paras. 1-13.

این قضاات به رأی سابق شعب تجدیدنظر در پرونده‌های Krstic و Krnojelac, Vasiljevic اشاره کرده و بر این عقیده بودند که باید معیار اتخاذ شده در پرونده سلیبسی (Celebici test) در این پرونده نیز اعمال شود و هیچ دلیل قانع‌کننده‌ای برای انحراف از این معیار وجود ندارد.

77. Ibid, para. 5.

78. Ibid, paras. 10-12.

این قضاات اظهار می‌دارند که وقتی برای اثبات جرم آزار باید عناصر مادی متفاوت و نیز قصد تبعیض‌آمیز احراز شوند، بنابراین جرم آزار خاص‌تر از جرم قتل یا سایر اعمال غیرانسانی است.

79. Prosecutor v. Galić, Case No. IT-98-29-A, Judgement, 30 November 2006 ('Galić Appeal Judgement'), para. 163 (quoting Prosecutor v. Krstić, Case No. IT-98-33-A, Judgement, 19 April 2004 ('Krstić Appeal Judgement'), para. 218); Prosecutor v. Kordić and Čerkez, Case No. IT-95-14/2-A, Judgement, 17 December 2004 'Kordić and Čerkez Appeal Judgement', para. 1033.

80. National Action Charter of Bahrain

۱۸. در این خصوص ر.ک: حبیب زاده، توکل، «حق تعیین سرنوشت مردم در قضیه بحرین»، در مجموعه مقالات همایش بررسی ابعاد حقوقی سیاسی جنایت در بحرین، نشر کعبه دل، بهار ۱۳۹۰، ص ۶۵-۷۳.

میان معترضان، سنی‌های طرفدار خانواده سلطنتی که خواستار اصلاحات سیاسی بودند نیز حضور داشتند.^{۸۲} حکومت بحرین در برخورد با این تظاهرات صلح‌آمیز، معترضان را توسط نیروهای امنیتی سرکوب کرد. این نیروها در ۱۸ فوریه عقب‌نشینی کردند و تحصن معترضان در میدان لؤلؤ ادامه یافت. برخی درگیری‌ها میان معترضان و دانشجویان و کارگران مهاجر آسیایی نیز گزارش شده است.

در ۱۵ مارس، وضعیت امنیت ملی در بحرین اعلام شد.^{۸۳} روز بعد نیروهای امنیتی که از حمایت ۱۰۰۰ نیروی مسلح عربستان سعودی بهره‌مند بودند برای بار دوم به سرکوب معترضان میدان لؤلؤ پرداختند. در این دوبار ۹ نفر کشته شدند. از این تاریخ به بعد حکومت آل خلیفه سیاستی مبتنی بر بازداشت‌های خودسرانه، شکنجه گسترده، حمله به مراکز شیعی، اخراج و در مواردی قتل را در پیش گرفت. علی‌رغم آزاد شدن برخی از این معترضان سیاسی، همچنان صدها نفر در زندان به سر می‌برند. برخی از این زندانیان در دادگاه نظامی محاکمه و چند تن از معترضان شیعی به مرگ محکوم شده‌اند. در اول ژوئن، وضعیت امنیت ملی لغو شد، اما هیچ تغییری در وضعیت بازداشت‌شدگان و محکومان صورت نگرفت. در این گفتار به منظور اثبات وقوع جرم تعقیب و آزار در خصوص وقایع بحرین، بدواً به احراز شرایط عمومی جنایت علیه بشریت در این کشور خواهیم پرداخت و سپس امکان انطباق این جرائم را با شرایط خاص جرم آزار بررسی خواهیم کرد.

بند اول) احراز شرایط عمومی جنایت علیه بشریت در بحرین

۱-۱. حمله علیه جمعیت غیرنظامی

اگرچه در رویه غالب دادگاه‌های خاص، حمله به «جریان ارتکاب اعمال خشونت‌بار» اطلاق می‌شود؛^{۸۴} اما این مفهوم پویا، در ارتباط با جنایات علیه بشریت محدود به استفاده از نیروی مسلح نیست، بلکه هر بدرفتاری نسبت به جمعیت غیرنظامی^{۸۵} و حتی هر اقدام به‌ظاهر غیرخشونت‌آمیزی نظیر تحمیل نظام تبعیض نژادی را نیز می‌تواند شامل شود.^{۸۶} با بهره‌گیری از این رویکرد موسع در ارتباط با شرط حمله، به نظر می‌رسد اشکال مختلف خشونت‌های مسلحانه و بدرفتاری‌های غیرمسلحانه نیروهای امنیتی بحرین با معترضان، چنانکه خواهیم دید، می‌تواند آستانه این شرط را تأمین کند.

82. Amnesty International Report, *Middle East and North Africa*, January to mid-April 2011, p.16.

83. "HM King Hamad Declares State of National Safety," *Bahrain News Agency*, March 15, 2011; <http://www.bna.bh/portal/en/news/449960?date=2011-04-15> (July 1, 2011).

84. *Prosecutor v. Kunarac, Kovač, and Vukić*, Case No. IT-96-23-T & IT-96-23/1-T, Judgement, 22 February 2001 ('Kunarac et al. Trial Judgement'), para. 415; also Media Appeal Judgement, para. 916.

85. *Kunarac et al. Appeal Judgement*, para. 86.

86. *Akayesu Trial Judgement*, para. 581.

از سوی دیگر با توجه به این واقعیت که ناآرامی‌ها در بحرین برخلاف وضعیت در لیبی، مخاصمه مسلحانه به شمار نمی‌روند و گزارش نهادهای خبری و حقوق بشری هیچ‌یک حاکی از دست به سلاح بردن معترضان نیستند، بنابراین بی‌شک قربانیان سیاست سرکوب گسترده معترضان در بحرین، یعنی مردم عادی، اعضای کادر درمانی، کارمندان و ورزشکاران^{۸۷} همگی غیرنظامی هستند. به علاوه، عبارت «جمعیت غیرنظامی» به این معنا نیست که تمام جمعیت یک ناحیه هدف حمله قرار گرفته باشند، بلکه «کافی است این اقناع حاصل شود که حمله در واقع علیه تعداد کافی از غیرنظامیان صورت گرفته است، نه علیه برخی افراد که به صورت تصادفی انتخاب شده‌اند».^{۸۸}

۲-۱. گسترده و یا سازمان یافته بودن حمله

براساس رویه دادگاه‌های خاص، لزومی به اثبات این هر دو شرط نیست و به محض احراز هر یک از این دو، احراز دیگری ضرورت ندارد.^{۸۹} قید «گسترده» به ماهیت وسیع حمله و تعداد افراد مورد هدف بازمی‌گردد، درحالی که صفت «سازمان یافته» به الگوی جرائم بازمی‌گردد. به عبارت دیگر، «الگوی جرائم یعنی تکرار غیرتصادفی رفتار مجرمانه مشابه براساس یک مبنای منظم، حاکی از سازمان یافتگی حمله است».^{۹۰} از سوی دیگر، وجود یک طرح یا سیاست مشخص برای احراز سازمان یافته یا گسترده بودن حمله لازم نیست.^{۹۱} اگرچه ارزیابی گسترده یا سازمان یافتگی جرائم صورت گرفته، یک فرایند «واقعه محور»^{۹۲} به شمار می‌رود که توسط مرجع قضایی قابل تشخیص است، اما به نظر می‌رسد ادبیات نهادهای حقوق بشری به‌ویژه دیده‌بان حقوق بشر در ارائه گزارش اقدامات نیروهای امنیتی و یا بازجوها و به‌کارگیری واژه «گسترده» و «سازمان یافته» برای توصیف این خشونت‌ها،^{۹۳} گویای امکان احراز این شرط باشد؛ ضمن اینکه چنانکه خواهیم دید، الگوی یکسان بدرفتاری‌ها و خشونت با معترضان بازداشت شده خود می‌تواند مؤیدی بر این امر تلقی شود.

87. Casey, Michael, "AP: Bahrain Soccer Stars Pay Price for Protesting", *The Associated Press*, August 25, 2011, <http://www.bahrainrights.org/en/node/4556>; (September 1, 2011).

88. Kunarac *et al.* Appeal Judgement, para. 90.

89. *Ibid.*, para. 93; see also Akayesu Trial Judgement, para. 579.

90. Kunarac *et al.* Trial Judgement, para. 429.

91. Kunarac *et al.* Appeal Judgement, para. 98.

92. *Ibid.*, para. 95.

۳۹. برای نمونه ر.ک:

Human Rights Watch, *Targets of Retribution, Attacks Against Medics, Injured Protesters, and Health Facilities*, July 2011, pp. 6,41,46,48; also the same organ, *Bahrain's Human Rights Crisis*, July 5, 2011, pp. 2,4.

۳-۱. عنصر روانی جنایات علیه بشریت

احراز عنصر روانی جنایت علیه بشریت حتی برای دادگاه‌های کیفری بین‌المللی نیز کار ساده‌ای نبوده است. اختلاف نظرهایی که در این زمینه بین شعب مختلف این دادگاه‌ها وجود داشته، خود گواه صدق این مدعا است. اما در کل می‌توان گفت شرط آگاهی مرتکب از اینکه اعمالش جزئی از حمله بوده، مستلزم آگاهی وی از جزئیات حمله نیست.^{۹۴} احراز این آگاهی بسته به واقعیات خاص هر پرونده بوده، بنابراین، روش اثبات آن نیز از پروندای به پرونده دیگر متفاوت خواهد بود.^{۹۵} با این حال لزومی ندارد مرتکب در اهداف اصلی حمله سهیم باشد، بلکه «صرفاً لازم است بداند عملی که مسئول انجام آن است، جزئی از این حمله محسوب می‌شود».^{۹۶} با توجه به وقایع و خشونت‌های صورت گرفته در جریان اعتراضات بحرین و این واقعیت که تبعیض میان شیعه و سنی در بطن جامعه بحرین ریشه دوانده و در ابعاد مختلف زندگی اجتماعی و سیاسی خود را نشان داده است و همچنین نظر به اهل تسنن بودن نیروهای امنیتی که در راستای سیاست دولت در سرکوب معترضان (غالباً شیعه)، اقدام به نقض حقوق انسانی آن‌ها کرده‌اند، وجود آگاهی مزبور حداقل برای مأموران عالی‌رتبه نظامی و امنیتی چندان بعید به نظر نمی‌رسد. با این همه نمی‌توان از قابل مناقشه بودن این ادعا نیز غافل شد.

بند دوم) احراز شرایط خاص جرم آزار و تعقیب

چنانکه دیدیم، آنچه جرم آزار را از سایر جنایات علیه بشریت متمایز می‌سازد از یک سو تنوع بسیار این جرم در عنصر مادی و از سوی دیگر عنصر روانی خاص این جرم، یعنی قصد تبعیض گذاری است. اما برای انطباق خشونت‌ها و بدرفتاری‌های صورت گرفته در بحرین با عناصر مادی و روانی جرم آزار، شایسته است ابتدا به عناصر تبعیض‌آمیز در این اقدامات (عنصر روانی) پرداخته، سپس مصادیق آن‌ها را براساس گزارش‌هایی که تاکنون از سوی نهادهای خبری و حقوق بشری ارائه شده‌اند، بررسی کنیم.

۱-۲. عنصر روانی: قصد تبعیض گذاری

با توجه به وضعیت بحرین به نظر می‌رسد در زمینه عنصر روانی صرفاً تبعیض بر مبنای دلایل مذهبی و سیاسی قابل طرح است.

۱-۱-۲. تبعیض بر مبنای دلایل مذهبی

94. Kunarac et al. Appeal Judgement, *op.cit.*, para. 102.

95. Blaškić Appeal Judgement, *op.cit.*, para. 126.

96. Kunarac et al. Appeal Judgement, *op.cit.*, para. 103.

خاندان سلطنتی آل خلیفه از زمان استقلال بحرین در سال ۱۹۷۱، بر این کشور حکومت می‌کنند. اگرچه بیش از ۷۰ درصد جمعیت بحرین را شیعیان تشکیل می‌دهند، اما اقلیت حاکم یعنی خاندان آل خلیفه که در قرن هجدهم از کویت وارد این کشور شده‌اند، سنی هستند.^{۹۷} تبعیض علیه مسلمانان شیعه در بحرین همواره شدید و نظام‌مند بوده است.^{۹۸} مقامات برجسته سنی با شیعیان به عنوان یک طبقه بی‌ارزش رفتار کرده، بدو آن‌ها را به کارهای یدی محدود ساخته و سهمی برای آن‌ها در امور دولتی و حکومتی قائل نیستند. در واقع «حاکمیت سنی‌ها برای شیعیان به مثابه زندگی تحت آپارتاید است»^{۹۹} و حتی برخی با اغراق آن را با نظام آپارتاید آفریقای جنوبی قابل قیاس می‌دانند.^{۱۰۰}

با چنین وضعی دور از ذهن نبود که دیده‌بان حقوق بشر در سال ۲۰۱۰ وضعیت حقوق بشر در بحرین را «بحرانی» بخواند و انتظار وخامت این اوضاع را داشته باشد.^{۱۰۱} یکی از اتهامات حقوق بشری اصلی که به حکومت بحرین وارد است، به حاشیه راندن اکثریت شیعه‌مذهب این کشور است.^{۱۰۲}

اگرچه اسناد حقوق بشری که پیش از این به بررسی وضعیت بحرین پرداخته‌اند همواره نسبت به وجود تبعیض میان شیعه و سنی در این کشور ابراز نگرانی کرده‌اند، اما متأسفانه گزارش‌های مربوط به اعتراضات

97. Nakash, Yitzhak, *Reaching for Power: The Shi'a in the Modern Arab World*, Princeton University Press, 2006.

تا سال ۱۳۵۰، شیعیان همه جمعیت بحرین را تشکیل می‌دادند، اما شیخ حمد بن عیسی به توصیه انگلیس، اقدام به مهاجرپذیری از میان اهل تسنن کرد و در اولین اقدام، قبیله خود را در این کشور مستقر ساخت: زارعی، سعدالله، «رفتارشناسی شیعیان بحرین در انقلاب»، در مجموعه مقالات... پیشین، ص ۳۶.

98. Baker, Aryn, "Why A Saudi Intervention into Bahrain Won't End the Protests", *Time Magazine*, March 14, 2011, <http://globalspin.blogs.time.com/2011/03/14/saudi-troops-enter-bahrain-to-quell-protests-it-wont-work-for-long/>; "A Smearing Campaign against the Shiite Bahraini Citizens with the Participation of the Bahraini Crown Prince and the Ambassador of Bahrain in Washington", *Bahrain Centre for Human Rights*, viewed March 31, 2011; also Colangelo-Bryan, Joshua, "How Bahrain is Oppressing its Shia Majority" in *The Guardian*, May 22, 2011, www.guardian.co.uk/commentsfree/2011/may/22/Bahrain-Change-View-Human-Rights; (July 1, 2011).

99. Bobby Gosh, "Behind the Sunni-Shi'ite Divide", *Time Magazine*, Feb. 22, 2007, www.time.com/time/magazine/article/0,9171,1592849-2,00.html; (July 1, 2011).

۱۰۰. سعید شهبابی (تحلیل‌گر و مفسر بحرین) اظهار می‌دارد: «در واقع در بحرین اقلیت حاکم درصدد است وضعیت آمار انسانی کشور را تغییر دهد و این یعنی همان سیستم آپارتایدی که در آفریقای جنوبی حاکم بود؛ چه در آنجا نیز گروه اقلیت بر اکثریت حکم می‌راندند»:

Mahdi Amirisefat, "Bahraini Rulers Importing Extremism", Feb. 15, 2009, *Press TV*, <http://edition.prsstv.ir/detail/85729.htm>; (July 1, 2011).

101. World Report 2011: Bahrain, Human Rights Watch.

۱۰۱. برای نمونه، طبق گزارش مرکز بحرینی حقوق بشر، از اکثریت ۷۰ درصدی شیعه تنها ۱۸ درصد مشاغل عالی را در ساختار دولتی بر عهده دارند؛ ضمن اینکه در کابینه دولت هیچ فرد شیعه‌ای در سمت‌های مهم گمارده نمی‌شود. اشتغال در نیروی پلیس و نیروهای امنیتی صرفاً به اقلیت سنی اختصاص دارند:

Nabeel Rajab "Nabeel Rajab: Discrimination and Sectarian Oppression in Bahrain, a Systematic Reality", *Press TV*, 23 Feb. 2009.

اخیر به طور خاص در خصوص مذهب قربانیان سکوت کرده و صرفاً به تبیین و گاه تحلیل وقایع پرداخته‌اند. بنابراین ممکن است ادعا شود که تبعیض‌گذاری نیروهای حکومتی و امنیتی نسبت به پیروان مذهب تشیع، دنباله همان دغدغه همیشگی نهادهای حقوق بشری در رابطه با بحرین بوده و از این بعد نیز قابل انتقاد است. اما اینکه اقدامات دولت در خصوص این اعتراضات بدو و اساساً علیه معترضان شیعی شکل گرفته و حاکی از «قصد خاص تبعیض‌گذاری» میان معترضان شیعه و سنی باشد، جای تردید و بحث دارد. همچنین ممکن است ادعا شود علت اینکه قربانیان اصلی این حوادث را شیعیان تشکیل می‌دهند این است که این قشر نسبت به شرایط نامساعد و تبعیض‌آمیز زندگی اجتماعی و سیاسی خویش اعتراض داشته، شمار بیشتری از معترضان را تشکیل می‌دهند؛ ضمن اینکه در میان معترضان، برخی اصلاح‌طلبان سنی‌مذهب که البته طرفدار خانواده سلطنتی هستند نیز به چشم می‌خورند.

به نظر می‌رسد اینکه آیا بدواً چنین هدفی وجود داشته است یا خیر مرتبط با موضوع نباشد، اما تا آنجا که می‌توان از لابه‌لای گزارش‌های ارائه شده برداشت کرد، وقایع حاکی از قصد تبعیض‌گذاری نیروهای حکومتی بر مبنای دلایل مذهبی و در راستای سیاست گسترده سرکوب معترضان است. این تبعیض به روشنی در بدرفتاری با زندانیان سیاسی شیعه، تخریب مساجد شیعه،^{۱۰۳} و تعلیق و جریمه باشگاه‌های ورزشی در مناطق شیعه‌نشین^{۱۰۴} به چشم می‌خورد؛ ضمن اینکه جو حاکم نیز به تحریک هر چه بیش‌تر این قصد دامن می‌زنند. اگرچه شرط وجود قصد تبعیض‌آمیز را نمی‌توان صرفاً با استناد به ماهیت تبعیض‌آمیز حمله محرز دانست، اما با توجه به بستر و زمینه حمله می‌توان وجود چنین قصدی را احراز کرد.^{۱۰۵} برای نمونه چنانکه خواهیم دید پزشکان و اعضای کادر درمانی از قربانیان اصلی بدرفتاری‌ها و خشونت نیروهای حکومتی هستند. این در حالی است که «پزشکی شغل معمول شیعیان بحرینی است زیرا ایشان از اشتغال به شغل‌های دولتی و برخی مشاغل دیگر ممنوع شده‌اند».^{۱۰۶} برخی گزارش‌ها حاکی از این هستند که در محل بازرسی وسایل نقلیه توسط نیروهای امنیتی در مارس و آوریل ۲۰۱۱، از مذهب سرنشینان سؤال می‌شد و اگر شیعه بودند، مورد ضرب و شتم و غارت قرار می‌گرفتند.^{۱۰۷} در واقع، علاوه بر تبعیض، سیاست دولت در اربعاب و تحریک جمعیت شیعه، فرصت‌های کوتاه‌مدت و بلندمدتی را که برای دستیابی به یک راه-

103. *Human Rights Organizations Criticize Rampant Abuses in Bahrain*, 8 April 2011; www.jurist.org; (August 12, 2011).

104. Casey, Michael, *op.cit.*

105. Blaškić Appeal Judgement, para. 164.

106. Human Rights First, *Bahrain: Speaking Softly*, May 2011, available at: www.humanrightsfirst.org/wp-content/uploads/pdf/bahrain-speaking-softly-2011.pdf, p. 3; (September 1, 2011).

107. Human Rights First, *Bahrain: Speaking ...op.cit.*, p. 9.

حل سیاسی وجود داشت از بین برده است.^{۱۰۸}

بنابراین به نظر می‌رسد این واقعیت که تبعیض بین شیعه و سنی در بحرین، به عنوان یک نقض حقوق بشری همواره وجود داشته، در جریان وقایع اخیر و مهیا شدن بستر برای وقوع جنایت علیه بشریت، بر امکان وقوع جرم تعقیب و آزار بر مبنای دلایل تبعیض‌آمیز مذهبی می‌افزاید.

اگرچه ممکن است چنان‌که گفته شد، مناقشات و سخت‌گیری‌های در باب امکان احراز جرم تعقیب و آزار بر مبنای دلایل مذهبی در خصوص بحرین وجود داشته باشد، اما به نظر می‌رسد با توجه به مفهوم موسع تبعیض بر مبنای دلایل سیاسی، در صورت اثبات سایر شرایط، این باب برای احراز وقوع جرم تعقیب و آزار باز باشد؛ چراکه «تنها احراز یکی از دلایلی که در حقوق بین‌الملل کیفری برای این جرم برشمرده شده است، نیز کفایت می‌کند».^{۱۰۹}

۲-۱-۲. تبعیض بر مبنای دلایل سیاسی

دلایل سیاسی را می‌توان در چارچوب دلایل مربوط به دولت یا حکومت یا به طور کلی امور عمومی تلقی کرد. در عین حال، دلایل مذکور را نمی‌توان صرفاً محدود به عضویت در یک گروه سیاسی خاص یا پذیرش یک ایدئولوژی خاص دانست. به عبارت دیگر، واژه «سیاسی» ممکن است متضمن امور عمومی و مسائل مربوط به آن نظیر بهداشت و محیط زیست هم بشود.^{۱۱۰} بدین ترتیب، دلیل سیاسی آزار حداقل متضمن وجود یک اختلاف نظر در ارتباط با این مسائل به عنوان دلیل برای ارتکاب اعمال ایذایی است.^{۱۱۱} این رویکرد موسع، نسبت به دلایل سیاسی، در صورت وجود سایر شرایط، امکان احراز وقوع جرم آزار را فراهم می‌آورد.

معارضان بحرینی همگی به نوعی خواستار برخی تغییر ساختار سیاسی و یا اصلاح امور عمومی بودند. اکثریت شیعه، ضمن اعتراض به تبعیض، خواستار استقرار نظامی مبتنی بر رأی مردم و اقلیت سنی، ضمن پایبندی به حکومت، خواهان برخی اصلاحات سیاسی بود. بنابراین، آنچه اهمیت دارد این است که این اعتراضات عموماً دارای ابعاد سیاسی بوده، برخورد دولت با مخالفان در واقع برخورد با «ایدئولوژی سیاسی

108. *Ibid.*

109. Blaškić Appeal Judgement, para. 131; Krnojelac Trial Judgement, para. 431.

110. Boot, Machteld & Christopher K. Hall, "Persecution", in Triffterer, Otto, *op.cit.*, p. 219.

۱۱۱. طبق گزارش نشست گروه کارشناسی در خصوص آزار بر مبنای دلایل جنسیتی، نظر سیاسی ممکن است هم از ابراز عقیده و هم از رفتار قابل برداشت باشد:

Report of the Expert Group Meeting on Gender-Based Persecution, Organized by the Division for the Advancement of Women in Center for Refugee Studies at York University, Canada, (9-12 November 1997) (EGM. GBP/1997/Report, para.44); quoted in: *Ibid.*

آن‌ها»^{۱۱۲} تلقی می‌شود. بدیهی است صرفنظر از احتمال وجود دلایل مذهبی، علت بازداشت‌های گسترده معترضان و کادر پزشکی، بدرفتاری با آن‌ها و اخراج کارمندان^{۱۱۳} و دانشجویان چیزی جز شرکت در اعتراض سیاسی یا طرفداری از معترضان نیست. اعمال خشونت بر معترضان مجروح و به‌ویژه هدف گرفتن اعضای مجروح آنان، چه علت دیگری می‌تواند داشته باشد؟ به نظر می‌رسد اینکه نیروهای امنیتی «به طور سازمان‌یافته» و برای بررسی موارد مشکوک به شرکت در اعتراضات راه آمبولانس‌ها را سد می‌کنند و در صورتی که فرد در این راستا مجروح شده باشد، وی را بازداشت می‌کنند^{۱۱۴} و یا عدم ارائه خدمات پزشکی و مواردی از این قبیل، گویای قصد تبعیض‌گذاری میان جمعیت غیرنظامی براساس گرایش‌ها و ایدئولوژی سیاسی آن‌ها است.

روی هم رفته، شاید صحت این ادعا که برخورد غیرانسانی با اعتراضات سیاسی در صورتیکه دربردارنده شرایط عمومی جنایات علیه بشریت باشد، فی‌نفسه دربردارنده قصد تبعیض‌گذاری و در نتیجه جامع شرایط جرم تعقیب و آزار است، چندان بعید نیست.

۲-۲. عنصر مادی جرم آزار: تنوع جرائم

چنانکه ملاحظه شد، رویه قضایی دادگاه‌های خاص قائل به وجود دامنه موسعی برای جرم آزار بوده، در برخی موارد حتی جرائمی را که صریحاً در اساسنامه‌شان نیامده نیز دربردارنده عنصر مادی این جرم تلقی کرده‌اند و البته اطلاق مفهوم «حمله» به هر نوع خشونت و بدرفتاری نیز بستر این تنوع را فراهم می‌آورد. در عین حال، دیوان کیفری بین‌المللی در این زمینه، صرفاً جرائمی را سازنده جرم مزبور می‌داند که در ارتباط با جرائم مذکور در اساسنامه روی داده باشند.^{۱۱۵} در هر صورت با توجه به گزارش‌های نهادهای

112. Akayesu Trial Judgement, para. 583.

۱۳۱. سیاست دولت در این زمینه پاکسازی بخش دولتی از کارکنانی است که دارای عقاید سیاسی مخالف دولت هستند. این اخراج‌ها از ژوئن شدت پیدا کرده‌اند. کسانی که مورد هدف هستند و با نامه انفصال خود مواجه می‌شوند باید نزد هیأت انضباطی حاضر شوند؛ اما تردیدی نیست که نتیجه رسیدگی این هیأت‌ها از قبل تعیین شده است:

Bahrain Center for Human Rights, *ITUC: Bahrain's Anti-union Repression*, (August 23 2011), <http://www.bahrainrights.org/en/node/4550>; (September 1, 2011).

تاکنون بیش از ۲۵۰۰ نفر از کار اخراج شده و یا استخدامشان به حالت تعلیق در آمده است:

Amnesty International, *Bahrain Must not Try Activists in Military Courts*, August 22, 2011, <http://www.amnesty.org/en/news-and-updates/bahrain-must-not-try-activists-military-court-2011-08-22>; (September 1, 2011).

114. Human Rights Watch, *Targets of Retribution, Attacks against Medics, Injured Protesters, and Health Facilities*, July 2011, pp. 31-36.

۱۵۱. اگرچه به نظر می‌رسد دیوان کیفری بین‌المللی در رابطه با مصادیق جرم آزار مضیق‌تر عمل کرده است، اما عملاً با توجه به منشأ تأسیس این دیوان (یک معاهده بین‌المللی)، تسری دامنه مصادیق این جرم، ضمن اینکه از یک سو مستلزم پذیرفتن خطر عدم رضایت

خبری و حقوق بشری درخصوص بحران بحرین، در این مجال اعمالی را بر خواهیم شمرد که در اساسنامه دادگاه‌های کیفری بین‌المللی قید شده و می‌توانند سازنده عنصر مادی جرم آزار باشند.

۱-۲-۲. شکنجه (محرومیت از حق تمامیت جسمی و روحی)

به طور کلی، علی‌رغم ادعاهای دولت آل‌خلیفه مبنی بر بهبود وضعیت این کشور درخصوص ممنوعیت شکنجه،^{۱۱۶} مدارک حاکی از این است که شکنجه بخشی از فرایند رسیدگی حقوقی در بحرین است.^{۱۱۷} براساس گزارش دیده‌بان حقوق بشر در سال ۲۰۱۱، طی سال‌های ۲۰۰۷ تا ۲۰۰۹، حکومت آل‌خلیفه در بازجویی از مظنونان به جرائم امنیتی، از شکنجه و خشونت بهره می‌گیرد.

در جریان اعتراضات اخیر نیز این دولت از رویه سابق خود رویگردان نبوده است. طبق اظهارات افراد آزاد شده، نیروهای حکومتی الگوی یکسانی در بد رفتاری با افراد بازداشت‌شده به کار می‌گرفته‌اند که از جمله آن‌ها می‌توان به این موارد اشاره کرد: پوشاندن چشم (گاهی برای چندین روز)، ضرب و شتم، شوک الکتریکی، سوءاستفاده‌های جنسی، ممنوعیت شستشو و اقامه نماز، اجبار به ایستادن برای مدت طولانی، ایراد ضربه به اعضای مجروح بدن، ممنوعیت خدمات درمانی و اجبار به خواندن سرود ملی بحرین یا سرودهای میهنی به نفع حکومت. برخی از بازداشت‌شدگان وادار به امضای اسنادی شده بودند که اجازه دیدن آن‌ها را نداشتند.^{۱۱۸}

هیچ‌یک از این شکنجه‌ها غیرقابل باور نیستند؛ زیرا پیش از این نیز رویه دولت بحرین چیزی غیر از این نبوده است. گزارش دیده‌بان حقوق بشر در سال ۲۰۱۰ با عنوان «بازگشت شکنجه» حاکی از همین الگوی رفتار در جریان بازجویی و در برخورد با بازداشت‌شدگان است.^{۱۱۹} این رویه دولت بحرین بی‌شک نقض تعهدات این دولت براساس کنوانسیون منع شکنجه^{۱۲۰} و دیگر اسناد بین‌المللی^{۱۲۱} و نیز نقض قوانین ناظر

دولت‌ها بود، از سوی دیگر ممکن بود به درستی نقض اصل قانونی بودن جرم تلقی شود. با این حال اساسنامه دیوان درخصوص دلایل اعمال قصد تبعیض‌آمیز، موسع‌تر از دادگاه‌های خاص عمل کرده است.

116. United Nations Commission for Human Rights, "Conclusions and Recommendations of the Committee against Torture: Bahrain., Committee against Torture", June 21, 2005, [www.unhcr.ch/tbs/doc.nsf/\(symbol\)/CAT.C.CR.34.BHR.En?opendocument](http://www.unhcr.ch/tbs/doc.nsf/(symbol)/CAT.C.CR.34.BHR.En?opendocument); (August 1, 2011).

117. "Bahrain Ended Issue of Systematic Torture", *Arabic News*, September 29, 2005, available at: www.arabicnews.com/ansub/Daily/Day/050929/2005092919.html; (August 25, 2011).

۱۱۸. درخصوص جزئیات اظهارات قربانیان ر.ک:

Human Rights First, *Bahrain: Speaking ... op.cit.*

119. Human Rights Watch, *Torture Redux: The Revival of Physical Coercion During Interrogations in Bahrain*, February 2010, <http://www.hrw.org>, especially pp. 26-59; (July 9, 2011).

۲۰۱. بحرین در ۱۸ فوریه ۱۹۹۸ به کنوانسیون منع شکنجه ملحق شده است.

❖ **۱۱۱ بررسی جنایت تعقیب و آزار**

بر ممنوعیت شکنجه در بحرین^{۱۲۲} است. صرف نظر از ابعاد فیزیکی این شکنجه‌ها، تخریب حدود ۳۰ مسجد یا مکان مذهبی شیعی با بلدوزر با این ادعا که غیرقانونی احداث شده‌اند، آن‌هم شب‌هنگام و بدون اعلام قبلی، از جمله اقداماتی است که «بیش از شکنجه فیزیکی مردم را متأثر ساخته است».^{۱۲۳}

این‌گونه اقدامات باعث شده است تا نهادهای حقوق بشری ساکت ننشسته، طی گزارش‌های خود، خواستار خاتمه دادن به اعمال خشونت علیه بازداشت‌شدگان و شکنجه آن‌ها از سوی نیروهای حکومتی این کشور شوند. برخی نهادهای حقوق بشری در رابطه با بحرین خواهان بازپس‌گیری مدال آزادی اعطا شده به پادشاه این کشور هستند^{۱۲۴} و مجمع منع شکنجه نیز از دولت بحرین درخواست کرده فوراً اقداماتی را در جهت ممنوعیت شکنجه و بدرفتاری با معترضان زندانی شده از فوریه ۲۰۱۱ به بعد، اتخاذ کند.

در همین راستا، در ۲۹ ژوئن و به دنبال صدور دستور سلطنتی شماره ۲۸ (۲۰۱۱)، کمیسیونی تحت عنوان «کمیسیون مستقل تحقیق بحرین»^{۱۲۵} متشکل از پنج نفر کارشناس حقوق بشر به ریاست شریف بسیونی، مأمور تحقیق سابق سازمان ملل، ایجاد شد.^{۱۲۶} این کمیسیون قرار است درخصوص وقایع فوریه و مارس ۲۰۱۱ و پیامدهای ناشی از آن، تحقیق کند؛ اما مردم بحرین پیشاپیش چندان به عملکرد این کمیسیون که در هر صورت از سوی دولت به این کار گمارده شده و قرار است در اکتبر گزارش خود را ارائه کند، امیدوار نیستند.^{۱۲۷}

۲-۲-۲. بازداشت‌های خودسرانه و ناپدیدسازی اجباری (محرومیت از حق آزادی)

از اواسط فوریه، بیش از ۸۰۰ نفر در بحرین بازداشت شده‌اند. اکثر این بازداشت‌شدگان معترضان شیعه خواستار اصلاحات سیاسی هستند. این معترضان نوعاً بدون هرگونه قرار یا حکم، بازداشت و در جایی

۲۱۱. از میان این اسناد می‌توان به میثاق حقوق مدنی - سیاسی که بحرین در ۲۰ سپتامبر ۲۰۰۶ به آن ملحق شده و منشور عربی حقوق بشر که بحرین در سال ۲۰۰۶ آن را تصویب کرده (لازم الاجرا شده در ۱۵ مارس ۲۰۰۸) اشاره کرد.

۲۲۱. قانون اساسی بحرین (بند ۴ ماده ۱۹)، قانون جزای بحرین (ماده ۲۰۸ و ۳۳۲) و قانون آیین دادرسی کیفری بحرین (ماده ۶۱ و مواد ۱۳۳ تا ۱۳۵).

123. Human Rights First, *Bahrain: Speaking ... op.cit.*, p. 9.

124. Human Rights First HRF: *Kansas City Mayor Urged to Revoke Medal from Bahraini King*, August 18, 2011, <http://www.bahrainrights.org/en/node/4552>; (July 1, 2011).

125. Bahrain Independent Commission of Inquiry (BICI)

۲۶۱. نام نایجل رادلی (Nigel Rodly)، گزارشگر سابق ملل متحد درخصوص شکنجه نیز در میان این چهار کارشناس به چشم می‌خورد: Bahrain News Agency, *HM King Hamad Sets Up Royal Independent Investigation Commission Made of Worldly Reputed Personalities*, June 29, 2011, <http://www.bna.bh/portal/en/news/462967> (July 1, 2011).

127. Human Rights First, *Bahrain: A Tortuous Process (second fact-finding mission to Bahrain)*, July 2011, http://www.humanrightsfirst.org/wp-content/uploads/pdf/Bahrain_A_Tortuous_Process_July_2011.pdf, p.5; (September 2, 2011).

نامعلوم برای مدت طولانی نگهداری می‌شدند. در قالب موارد، این افراد از حق دسترسی به وکیل یا ملاقات با خانواده‌هایشان محروم بودند.^{۱۲۸} اظهارات افرادی که آزاد شده و یا شاهد بازداشت اعضای خانواده خود بوده‌اند، حاکی از الگوی یکسانی است که نیروهای امنیتی در بازداشت افراد به کار گرفته‌اند. بر این اساس، معترضان یا فعالان سیاسی غالباً شب‌هنگام در خانه‌هایشان و توسط گروهی از مأموران نقاب‌دار که پیش از بردن فرد به غارت اشیای گرانبها می‌پرداختند، بازداشت و به جای نامعلومی برده می‌شدند. برخی افراد نیز در محل کارشان بازداشت می‌شدند. این در حالی است که دولت بحرین همه این ادعاها را تکذیب می‌کند. به گزارش دیده‌بان حقوق بشر، بیش از ۱۶۰۰ تن در بازداشت و یا حبس انفرادی هستند و در انتظار محاکمه در یک دادگاه نظامی خاص به سر می‌برند.^{۱۲۹} بی‌شک این تعداد قربانی گویای گسترده بودن حمله علیه معترضان غیرنظامی بحرین است.

۳-۲-۲. محاکمه‌های نظامی (محرومیت از حق دادرسی عادلانه)

متعاقب اعلام وضعیت امنیت ملی، برخی دادگاه‌های خاص موظف به رسیدگی به پرونده معترضان و صدور حکم علیه ایشان شدند. این دادگاه‌ها به طور غیرعلنی برگزار شدند و برخی معترضان را به مرگ و حبس ابد محکوم کردند. علاوه بر معترضان سیاسی، فعالان حقوق بشری نیز در این دادگاه‌ها محاکمه شده‌اند. به طور کلی اتهامات محکومان عبارت بود از: «بی‌احترامی به ارتش»، «سازماندهی و مدیریت گروه‌های تروریستی برای سرنگونی و تغییر قانون اساسی کشور و حکومت پادشاهی» و «همکاری با گروه‌های تروریستی خارجی [نظیر حزب‌الله لبنان] برای انجام اقدامات خطرناک». دولت ادعا می‌کرد که این دادگاه‌ها نظامی نیستند، اما در عمل این دادگاه متشکل از سه قاضی بودند که یک نفر از ایشان نظامی بود و ریاست دادگاه را بر عهده داشت؛ ضمن اینکه دادستان نیز از افراد نظامی بود. از سوی دیگر جو دادگاه‌ها بسیار نظامی بوده و چندین نیروی مسلح یونیفرم‌پوش و نقاب‌دار در دادگاه حضور داشته‌اند.^{۱۳۰}

در ۲۲ ژوئن حتی پس از لغو وضعیت امنیت ملی، ۲۱ فعال سیاسی و حقوق بشری به نحو ناعادلانه و بدون رعایت ضوابط حقوق بین‌المللی محاکمه و به حبس ابد یا حبس‌های طولانی مدت محکوم شدند. پس از توقف دادگاه‌های نظامی در ادامه رسیدگی‌ها، پرونده‌های باقیمانده به دادگاه‌های غیرنظامی ارجاع داده شدند. با این حال، جریان و زمانبندی این پرونده‌ها حتی برای متهمان و وکلای ایشان نیز نامعلوم

128. Human Rights Watch, *Targets of Retribution, Attacks against Medics, Injured Protesters, and Health Facilities*, July 2011, pp. 3,41,43,48; also the same organ, *Bahrain's Human Rights Crisis*, July 5, 2011, pp. 3,6; (August 18, 2011).

129. <http://www.hrw.org/news/2011/07/18/bahrain-systematic-attacks-medical-providers>; (August 1, 2011).

130. Human Rights First, *Bahrain...op.cit.*, p. 7.

است. شمار این پرونده‌ها تاکنون به ۴۷ مورد می‌رسد که همگی علیه پزشکان و اعضای کادر درمانی است و به اتهام ارائه خدمات پزشکی به معترضان طرح شده‌اند.^{۱۳۱} این در حالی است که سازمان عفو بین‌الملل اعلام کرد معترضان و فعالان نباید در دادگاه‌های نظامی محاکمه شوند و این اقدام دولت بحرین گامی به عقب خواهد بود و نگرانی‌هایی درخصوص عدم وجود محاکمه عادلانه درخصوص بازداشت‌شدگان، به دنبال خواهد داشت. مدیر عفو بین‌الملل در خاورمیانه و شمال آفریقا اظهار داشت: «غیرنظامیان هرگز نباید در دادگاه‌های نظامی محاکمه شوند. دادگاه امنیت ملی (که با اعلام وضعیت امنیت ملی در مارس تشکیل شد) تقلید مضحکی از عدالت و مایه ننگ ادعای مقامات بحرینی مبنی بر حاکمیت قانون است».^{۱۳۲} در اواخر ژوئن، پادشاه بحرین اعلام کرده بود که همه پرونده‌های دادگاه‌های نظامی مرتبط با اعتراضات فوریه به دادگاه‌های غیرنظامی منتقل خواهند شد؛ اما وی در ۱۸ آگوست مجدداً اعلام کرد که این تصمیم در رابطه با همه معترضان اعمال نخواهد شد و این به معنای بازگشت پرونده معترضان به دادگاه‌های نظامی است.

۴-۲-۲. قتل در بازداشتگاه و یا در جریان اعتراضات (محرومیت از حق حیات)

گزارش‌ها حاکی از چندین مورد (حداقل ۴ نفر) مرگ معترضان در بازداشتگاه‌ها، ظرف چند روز پس از بازداشت ایشان هستند. در برخی از موارد، جسد قربانی دارای علائم شکنجه بوده است و به ادعای وزیر کشور برخی از نیروها در همین راستا بازداشت شده‌اند. به گزارش مرکز حقوق بشر بحرین شمار کشته‌شدگان از زمان آغاز ناآرامی‌ها به ۳۱ تن می‌رسد. ممکن است کمی تعداد کشته‌شدگان در مقایسه با دیگر درگیری‌های منطقه، منجر به طرح این ادعا شود که جرم آزار از نوع قتل روی نداده است؛ اما همانطور که اشاره شد برای احراز جنایات علیه بشریت، وقوع حمله علیه تعداد کافی از غیرنظامیان بسنده می‌کند^{۱۳۳} و در عین حال، قربانیان نیز حداقل مشتمل بر چند نفر هستند.^{۱۳۴} اگرچه مقصود و میزان این تعداد «کافی» روشن نیست، اما در هر صورت به نظر می‌رسد این تعداد باید در مقیاس کل جمعیت هدف، ارزیابی شوند.^{۱۳۵} به همین دلیل برخی معتقدند: «اگرچه شمار قربانیان بحرین در مقایسه با کشته‌شدگان لیبی بسیار اندک هستند، اما این تعداد قربانی بحرین در کمتر از ۱۰ هفته، بیش از تعداد کشته‌شدگان این کشور طی ۵

131. Human Rights First, *Bahrain: A Tortuous Process (second fact-finding mission to Bahrain)*, July 2011, http://www.humanrightsfirst.org/wp-content/uploads/pdf/Bahrain_A_Tortuous_Process_July_2011.pdf, p. 2; (August 1, 2011).

132. Amnesty International, *Bahrain...op.cit.*

133. Kunarac *et al.* Appeal Judgement, para. 90.

134. Boot, Machteld & Christopher K. Hall, "Persecution", in Triffterer, Otto, *op.cit.*, p. 217

۳۵۱. جمعیت بحرین کمتر از یک میلیون نفر است که از این تعداد ۱۵۰ هزار نفر تبعه غیربحرینی هستند که در آنجا کار می‌کنند. بنابراین، جمعیت خود بحرین کمتر از ۸۵۰ هزار نفر می‌شود که ۸۰ درصد آن‌ها را شیعیان تشکیل می‌دهند: زارعی، سعدالله، پیشین، ص ۳۵.

سال ناآرامی و اعتراض در اوسط و اواخر دهه ۹۰ است، ضمن اینکه این تعداد قربانی در جمعیت ۵۰۰ هزار نفری بحرین، تعداد کمی نیست».^{۱۳۶}

نتیجه گیری

۱. مفهوم جنایت علیه بشریت، اگرچه به اندازه خود بشریت قدمت دارد، اما در مقایسه با دیگر جنایات بین‌المللی، با تأخیر قابل توجهی به صورت مستقل، جرم‌انگاری شده است. علی‌رغم این تأخیر، تبیین و توسعه مصادیق این جنایت همگام با توسعه حقوق بین‌الملل کیفری، نشان از پویایی آن دارد. اما آنچه باعث تمیز مصادیق این جنایت از جرائم عادی در قوانین کیفری می‌شود، شرایط لازم برای احراز وقوع آن است. این شرایط طبق حقوق بین‌الملل عرفی، عبارتند از: (۱) حمله گسترده یا سازمان‌یافته، (۲) حمله علیه جمعیت غیرنظامی، (۳) حمله ارتکاب اعمال به عنوان جزئی از حمله، (۴) علم مرتکب به اینکه الگویی از جرائم سازمان‌یافته و گسترده علیه جمعیت غیرنظامی وجود دارد و اعمال وی جزئی از این الگو هستند.

۲. یکی از مصادیق جنایت علیه بشریت که تکامل خود را مدیون رویه دادگاه‌های خاص یوگسلاوی سابق و رواندا است، «جنایت تعقیب و آزار» است. براساس رویه همین دادگاه‌ها و نیز اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، آزار به معنای محرومیت عمدی و شدید از حقوق اساسی برخلاف حقوق بین‌الملل بر مبنای دلایل سیاسی، قومی، نژادی، ملی، فرهنگی، مذهبی، جنسی، یا دیگر دلایل ممنوع در حقوق بین‌الملل است که در ارتباط با اعمال مذکور در اساسنامه این دادگاه‌ها روی داده باشد. بنابراین، طبق این تعریف، آنچه در ارتباط با جرم آزار اهمیت دارد، تنوع مصادیق سازنده عنصر مادی این جرم و نیز عنصر روانی متمایز این جرم، یعنی قصد تبعیض‌گذاری بر مبنای دلایل مذکور است.

۳. شمار بسیار پرونده‌های مربوط به جنایت تعقیب و آزار در دادگاه‌های کیفری بین‌المللی،^{۱۳۷} حاکی از وجود بسترهای فراوانی است که برای وقوع این جرم در ابعاد سیاسی، مذهبی، قومی و نژادی وجود دارند. با این همه، باز هم گراف نیست اگر بگوییم به طور قطع جنایات بسیاری از این دست هر ساله در همه

136. Testimony of Joe Stork before the Tom Lantos Human Rights Commission, *Hearing on the Human Rights Situation in Bahrain*, May 13, 2011, <http://www.hrw.org/news/2011/05/13/testimony-joe-stork-tom-lantos-human-rights-commission>; (August 12, 2011).

۱۳۷. تاکنون آمار کیفرخواست‌ها و محکومیت‌های صادر براساس جرم تعقیب و آزار به این شرح است: دادگاه یوگسلاوی سابق ۸۵ مورد کیفرخواست و ۴۲ مورد محکومیت؛ دادگاه رواندا ۲۰ مورد کیفرخواست و ۶ مورد محکومیت؛ دادگاه کامبوج ۵ مورد کیفرخواست و یک مورد محکومیت؛ دادگاه تیمور شرقی ۱۷۸ مورد کیفرخواست و ۱۵ مورد محکومیت و دیوان کیفری بین‌المللی ۳ مورد کیفرخواست:

Bassiouni, Cherif, *Crimes Against Humanity: Historical Evolution and Contemporary Application*, Cambridge University Press, 2011, p. 405.

البته در حال حاضر با اضافه شدن پرونده لیبی به پرونده‌های دیوان کیفری بین‌المللی، شمار کیفرخواست‌های مربوط به جرم آزار در این دیوان به ۶ مورد می‌رسد.

کشورها روی می‌دهند؛ اما عدم واکنش مقتضی بین‌المللی و اهمال دیگر کشورها، دست به دست هم می‌دهند تا ناله قربانیان این جنایت، سکوت ظاهری جامعه جهانی را در هم نشکنند.

۴. بحرین هم‌اکنون از بسترهای وقوع این جنایت است؛ همانطور که لیبی نیز اخیراً این وضعیت را تجربه کرده است. با این حال، ظاهراً قضیه لیبی که توسط شورای امنیت به دیوان کیفری بین‌المللی ارجاع شده، از اقبال بیش‌تری برخوردار بوده است.^{۱۳۸} اگرچه این نوشتار مجالی برای بررسی اقدامات تبعیض‌آمیز و مسبوق به سابقه شورای امنیت نیست، اما بی‌شک گزینشی عمل کردن این شورا در ارجاع پرونده لیبی به دیوان از یک سو و سکوت محض درخصوص وضعیت بحرین از سوی دیگر، قابل تأمل و انتقاد است.

۵. اقدامات دولت بحرین در مقابله با معترضان که غالب آن‌ها را شیعیان تشکیل می‌دهند، از سوی سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای^{۱۳۹} و نهادهای حقوق بشری مورد انتقاد و اعتراض قرار گرفته است. گزارش‌هایی که نهادهای مزبور در این زمینه صادر کرده‌اند، حاکی از وجود سیاست گسترده یا سازمان‌یافته سرکوب معترضان و اتخاذ الگویی یکسان در برخورد با آن‌ها است. با توجه به مفهوم موسعی که اصطلاح «حمله» در ارتباط با جنایت علیه بشریت در حقوق بین‌الملل کیفری دارد نیز به نظر می‌رسد امکان احراز شرایط عمومی جنایت علیه بشریت وجود دارد. اما در ارتباط با شرایط خاص تحقق جرم تعقیب و آزار، قصد تبعیض‌گذاری بر مبنای دلایل مذهبی و سیاسی قابل بررسی است. وقتی تبعیض بین شیعه و سنی که سال‌هاست شیعیان این کشور را می‌آزارد و هشدار نهادهای حقوق بشری را به دنبال داشته را در کنار عملکرد تبعیض‌آمیز نیروهای حکومتی سنی مذهب در جریان اعتراضات قرار می‌دهیم، ارتکاب اعمال ایدایی بر مبنای دلایل مذهبی چندان دور از واقعیت نمی‌نماید.

۶. به هر حال، حتی اگر مناقشاتی درخصوص تبعیض بر مبنای دلایل مذهبی وجود داشته باشد، چنین تردیدی پیرامون قصد تبعیض‌گذاری بر مبنای دلایل سیاسی مطرح نخواهد شد؛ چه وقایع و رویدادها حاکی از قصد اعمال چنین تبعیضی از سوی نیروهای امنیتی و حکومتی با کسانی است که به اصطلاح «با آتش بازی می‌کنند»^{۱۴۰} وقایعی که در قالب شکنجه، بازداشت‌های خودسرانه، محاکمه‌های نظامی و قتل، حقوق بنیادین مخالفان سیاسی در بحرین را نقض کرده و عنصر مادی جرم تعقیب و آزار را به وجود آورده‌اند.

138. S/RES/1973, March 17, 2011.

۳۹۱. اتحادیه اروپا در چند ماه اخیر در مواضع و به طرق مختلف عملکرد دولت بحرین را محکوم کرده است: European Council Press Release, (June 24, 2011); Catherine Ashton EU High Representative for Foreign Affairs and Security Policy and Vice President of the European Commission Speech on North Africa and the Arab World European Parliament Strasbourg, 6 July 2011; EU Press Release, Member States Must Stop Arms Sale to Syria, Bahrain and Yemen, April 4, 2011.

140. Zsolt Nemeth, Hungary's Deputy Foreign Minister, quoted by: Rettman, Andrew, *Bahrain, Syria and Yemen "Playing With Fire"*, April 7, 2011, www.euobserver.com/9/32135?; (September 1, 2011).

بنابراین می‌توان ادعا کرد آزار که «همان اقدام یا سیاست دولت در راستای تحمیل خشونت، شکنجه، فشار، یا اقدامات تبعیض‌آمیز علیه افراد به دلیل اعتقاد، نظرات یا عضویت آن‌ها در یک گروه مشخص (اعم از مذهبی، سیاسی و...) است و منجر به ایراد لطمه جسمی یا روانی یا ایجاد زیان اقتصادی به ایشان می‌شود»^{۱۴۱} در جریان بحران بحرین روی داده است.

۷. چشم‌انداز برقراری عدالت کیفری در باب این خشونت‌ها در عرصه بین‌الملل در حاله‌ای از ابهام قرار دارد و نیازمند گذر زمان است.^{۱۴۲} اظهارنظر درباب امکان رسیدگی به وضعیت بحرین در دیوان کیفری بین‌المللی، چه از طریق ارجاع از سوی شورای امنیت (بند ۲ ماده ۱۳) و چه از طریق اقدام علی‌الرأس دادستان (بند ۳ ماده ۱۳) بسیار پیش از موعد است.^{۱۴۳} آنچه در این مرحله می‌توان گفت این است که با توجه به این واقعیت که شورای امنیت تاکنون هیچ قطعنامه‌ای درخصوص بحرین صادر نکرده، بسیار بعید است که این قضیه از این طریق به دیوان ارجاع شود. اما امکان رسیدگی به این وضعیت از طریق راه دوم قوی‌تر به نظر می‌رسد. گفتنی است که تا قبل از ارجاع وضعیت لیبی به دیوان کیفری بین‌المللی توسط شورای امنیت،^{۱۴۴} تنها پرونده‌ای که با اتهام جنایت تعقیب و آزار نزد این دیوان مطرح بود، پرونده مربوط به وضعیت کنیا بود. در ۳۱ مارس ۲۰۱۰، شعبه پیش‌مقدماتی دیوان به دادستان اجازه داد تحقیقاتی درخصوص وقایع و نقض‌های ادعایی پس از انتخابات سال ۲۰۰۷-۲۰۰۸ در کنیا انجام دهد. در عین حال در پرونده مربوط به وضعیت کنیا، دادستان برای اولین بار رأساً طبق ماده ۱۵ اساسنامه، رسیدگی به یک پرونده را آغاز کرده است.^{۱۴۵} اما جالب توجه این است که وقایعی که در کنیا روی داده‌اند از لحاظ الگوی اعمال، شباهت

141. Bassiouni, M.C., *Crimes Against Humanity in International Criminal Law* (2000), p. 327.

۴۲۱. برخی بر این عقیده‌اند که جرم‌انگاری جنایت تعقیب و آزار در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، ابزار مهم و جدیدی در دست دادستان‌ها خواهد بود که می‌توانند علیه وکلای مدافع، بانکداران و تبلیغ‌کنندگانی که حرفه خود را در خدمت رژیم‌های سفاک قرار می‌دهند، از آن استفاده کنند. برای ملاحظه این نظر، ر.ک: رابرتسون، جفری، جنایات علیه بشریت، ترجمه گروه پژوهشی ترجمه دانشگاه علوم اسلامی رضوی، چاپ اول، مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۸۳، ص ۴۵۷.

۴۳۱. با توجه به اینکه بحرین جز ۱۱۷ کشور عضو اساسنامه رم نیست، بند ۱ ماده ۱۳ مبنی بر ارجاع پرونده از سوی دولت عضو منتفی است.

۱۴۴. دادستان دیوان کیفری بین‌المللی پس از بررسی وقایع لیبی، در ۲۷ ژوئن ۲۰۱۱ قرار بازداشت معمر قذافی (Muammar Gaddafi)، سیف‌الاسلام قذافی (Saif Al-Islam Gaddafi) و عبدالله السنوسی (Abdullah Al-Senussi) را صادر کرد. معمر قذافی به عنوان فرمانده نیروهای مسلح لیبی، رهبر انقلاب و رئیس دولت لیبی، سیف‌الاسلام قذافی به عنوان رئیس افتخاری بنیاد بین‌المللی تعاون و توسعه قذافی و نخست‌وزیر غیررسمی لیبی و السنوسی به عنوان مقام عالی‌رتبه نیروهای مسلح و رئیس اطلاعات نظامی، به ترتیب تحت عنوان معاون غیرمستقیم و مباشر غیرمستقیم به دو مورد از مصادیق جنایت علیه بشریت، یعنی قتل و آزار متهم شده‌اند:

The Prosecutor v. Muammar Gaddafi, Saif Al-Islam Gaddafi and Abdullah Al-Senussi.

۴۵۱. دادستان دیوان کیفری بین‌المللی در ۵ نوامبر ۲۰۰۹ خواستار آغاز تحقیقات درخصوص وقایع پس از انتخابات در کنیا شد. شعبه پیش‌محاكمه نیز در تاریخ ۳۱ مارس ۲۰۱۰، با اکثریت آرا درخواست دادستان را پذیرفت. ویلیام سموئی روتو (William Samoei Ruto)، وزیر معلق آموزش عالی، علوم و فناوری کنیا، جاشوا ارپ سانگ (Joshua Arap Sang)، رئیس عملیات کاس اف ام (Kass FM) در نایروبی

زیادی به وقایع بحرین دارند.^{۱۴۶} چرا که جرائم ارتكابی در کنیا نیز اگرچه بر اثر تقلب در انتخابات روی داده بودند، اما بستر و ریشه اصلی آن‌ها به سال‌ها قبل و نقض وعده‌هایی باز می‌گشت که دولت به مردم داده بود.^{۱۴۷} بنابراین با توجه به سابقه‌ای که وجود دارد، این بستر برای دادستان فراهم است که با اختیار خود رسیدگی به وقایع بحرین را آغاز کند.

۸. در پایان باید اذعان داشت که وقایع بحرین و لیبی اولین نمونه از این‌گونه جنایات نیستند و بی‌شک آخرین نیز نخواهند بود. در طول تاریخ، هر زمان که برابری و انسانیت جای خود را به تبعیض و عداوت داده است، دامن بشریت به ننگ تعقیب و آزار غیرنظامیان بی‌گناهی آلوده شده که تنها به جرم تعلق به یک گروه خاص، مجازات سختی را متحمل شده‌اند.



و هنری کیپرونو کوسگی (Henry Kiprono Kosgey)، رئیس جنبش دموکراتیک نارنجی (ODM)، هر سه نفر به جنایت علیه بشریت از نوع قتل، انتقال اجباری و آزار متهم شدند. گفتنی است اولین جلسه استماع این پرونده که قرار بود در اول سپتامبر ۲۰۱۱ برگزار شود، لغو و به زمان دیگری موکول شد:

The Prosecutor v. William Samoei Ruto, Henry Kiprono Kosgey and Joshua Arap Sang.

۴۶۱. بلافاصله پس از اعلام نتایج انتخابات در کنیا و به‌ویژه از تاریخ ۳۰ دسامبر ۲۰۰۷ تا پایان ژانویه ۲۰۰۸، اعتراضات گسترده‌ای در شهرهای مختلف این کشور صورت گرفت که با سرکوب شدید دولت مواجه شد. حدود ۱۳۰۰ غیرنظامی در اثر حمله نیروهای دولتی جان باخته و هزاران نفر نیز مجروح شدند. دولت کنیا ضمن به آتش کشیدن هزاران خانه، ۳۲ هزار نفر را مجبور به ترک خانه‌هایشان نمود. برای اطلاعات بیشتر در این زمینه ر.ک:

Human Rights Watch, *Ballots to Bullets: Organized Political Violence and Kenya's Crisis of Governance*, vol. 20, No.1(A), March 2008.

147. *Ibid*, p. 3.

فهرست منابع

الف) فارسی

۱. آذری، هادی، «تجمیع محکومیت‌ها برطبق معیار سلیبسی در حقوق بین‌الملل کیفری و بررسی رویه قضایی اخیر محاکم بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق و رواندا»، *مجله حقوقی بین‌المللی*، شماره ۴۱، پاییز و زمستان ۱۳۸۸.
۲. رابرتسون، جفری، *جنایات علیه بشریت*، ترجمه گروه پژوهشی ترجمه دانشگاه علوم اسلامی رضوی، چاپ اول، ۱۳۸۳، مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی.
۳. صیرفی، ساسان، *تعقیب و آزار به عنوان جنایت علیه بشریت*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، شهريور ۱۳۸۷، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
۴. علامه، غلام حیدر، *جنایات علیه بشریت در حقوق بین‌الملل کیفری*، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۸۵.
۵. *مجموعه مقالات همایش بررسی ابعاد حقوقی سیاسی جنایت در بحرین*، نشر کعبه دل، ۱۳۹۰.
۶. میرمحمدصادقی، *حقوق جزای بین‌الملل*، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۷۷.
۷. میرمحمدی، معصومه، «تأثیر تصویب اساسنامه دیوان کیفری بر جرم‌انگاری جنایات بین‌المللی در قوانین داخلی دولت‌ها و اعمال صلاحیت جهانی از سوی آن‌ها»، *مجله حقوقی بین‌المللی*، شماره ۴۱، پاییز و زمستان ۱۳۸۸.

ب) انگلیسی

1. "A Smearing Campaign against the Shiite Bahraini Citizens with the Participation of the Bahraini Crown Prince and the Ambassador of Bahrain in Washington", *Bahrain Centre for Human Rights*, viewed March 31, 2011.
2. Amnesty International Report, *Middle East and North Africa, January to mid-April 2011*.
3. Amnesty International, *Bahrain Must not Try Activists in Military Courts*, August 22, 2011.
4. Bahrain News Agency, *HM King Hamad Sets Up Royal Independent Investigation Commission Made of Worldly Reputed Personalities*, June 29, 2011.
5. Bahrain Center for Human Rights, *ITUC: Bahrain's Anti-union Repression*,

August 23, 2011.

6. "Bahrain Ended Issue of Systematic Torture", *Arabic News*, September 29, 2005.

7. Baker, Aryn, "Why A Saudi Intervention into Bahrain Won't End the Protests", *Time Magazine*, March 14, 2011.

8. Bassiouni, Cherif, *Crimes Against Humanity: Historical Evolution and Contemporary Application*, Cambridge University Press, 2011.

9. Bassiouni, M. Cherif and Michael Wahid Hanna, "Ceding the High Ground: The Iraqi High Criminal Court Statute and the Trial of Saddam Hussein", (2006-07) 39 *Case Western Reserve Journal of International Law* 21.

10. Bassiouni, M.C., *Crimes Against Humanity in International Criminal Law*, Kluwer Law International, 2000.

11. Bobby Gosh, "Behind the Sunni-Shi'ite Divide", *Time Magazine*, Feb. 22, 2007.

12. Casey, Michael, "AP: Bahrain Soccer Stars Pay Price for protesting", *The Associated Press*, August 25, 2011.

13. Colangelo-Bryan, Joshua, "How Bahrain is Oppressing Its Shia Majority", *The Guardian*, May 22, 2011.

14. "Conclusions and Recommendations of the Committee Against Torture: Bahrain., Committee Against Torture", United Nations Commission for Human Rights, June 21, 2005.

15. Faustin Z. Ntoubandi, *Amnesty for Crimes Against Humanity under International Law*, Martinus Nijhoff Publisher, 2007.

16. Gideon Boas, James L. Bischoff and Natalie L. Reid, *Elements of Crimes under International Law: International Criminal Law Practitioner Library Series*, vol. 2, Cambridge University Press, 2009, M. Cherif Bassiouni, *Crimes Against Humanity in International Criminal Law*, 2nd ed, 1998.

17. Guenael Mettraux, "Crimes Against Humanity in the Jurisprudence of the International Criminal Tribunal for the Former Yugoslavia and for Rwanda",

Harvard International Law Journal, vol. 43, No.1, 2002.

18. "HM King Hamad Declares State of National Safety," Bahrain News Agency, March 15, 2011.

19. Human Rights First *HRF: Kansas City Mayor Urged to Revoke Medal from Bahraini King*, August 18, 2011.

20. Human Rights First, *Bahrain: A Tortuous Process* (second fact-finding mission to Bahrain), July 2011.

21 Human Rights First, *Bahrain: Speaking Softly*, May 2011.

22. *Human Rights Organizations Criticize Rampant Abuses in Bahrain*, 8 April 2011.

23. Human Rights Watch, *Bahrain's Human Rights Crisis*, July 5, 2011.

24. Human Rights Watch, *Ballots to Bullets: Organized Political Violence and Kenya's Crisis of Governance*, vol. 20, No.1(A), March 2008.

25. Human Rights Watch, *Targets of Retribution, Attacks Against Medics, Injured Protesters, and Health Facilities*, July 2011.

26. Human Rights Watch, *Torture Redux: The Revival of Physical Coercion During Interrogations in Bahrain*, February 2010.

27. John Cerone, "Persecution", in: Dinah L. Shelton (Editor in Chief), *encyclopedia of Genocide and Crimes against Humanity*, Thomson Gale, 2005.

28. John Cerone, "The Special Court for Sierra Leone: Establishing a New Approach to International Criminal Justice", 8 *ILSA Journal of International and Comparative Law*, 2002.

29. Mahdi Amirisefat, "Bahraini Rulers Importing Extremism", Feb. 15, 2009, *Press TV*.

30. Nabeel Rajab "Nabeel Rajab: Discrimination and Sectarian Oppression in Bahrain, a Systematic Realit", 23 Feb 2009, *Press TV*.

31. Nakash, Yitzhak, *Reaching for Power: The Shi'a in the Modern Arab World*, Princeton University Press, 2006.

32. Randle C. DeFalco, "Accounting for Famine at the Extraordinary Chambers in the Courts of Cambodia: The Crimes against Humanity of Extermination, Inhumane Acts and Persecution", *International Journal of Transitional Justice*, Volume 5, Issue 1.
33. Report of the Expert Group Meeting on Gender-Based Persecution, Organized by the Division for the Advancement of Women in Center for Refugee Studies at York University, Canada, 9-12 November 1997 (EGM.GBP/1997/ Report, para.44)
34. Robert Roth and Yuan Jeanneret, "Droit Allemand", in: Antonio Cassese and Mireille Delmas-Marty, *Juridictions Nationales and Crime Internationaux*, (Paris: Presses Universitaires de France, 2002).
35. *Testimony of Joe Stork before the Tom Lantos Human Rights Commission*, Hearing on the Human Rights Situation in Bahrain, May 13, 2011.
36. Triffterer, Otto (ed.), *Commentary on the Rome Statute of the International Criminal Court Observers' Notes, Article by Article*, Baden-Baden: Nomos, 2nd ed, 2008.
37. World Report 2011: Bahrain, Human Rights Watch.

پښتونخواه پوهنتون
پښتانه علوم او مطالعات فرېبنځي
پښتانه علوم او مطالعات فرېبنځي